



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مِثَلِ اَیْنِ کِه

مِثَالِهای تربیتی با قابلیت اجرا.

« گفتگوی دینی والدین و مربیان با بچه ها »



فهمیه بیراتوند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مثل این که... مثالهای تربیتی با قابلیت اجراء ، گفتگوی دینی والدین و مربیان با بچه ها

نویسنده:

فهمه بیرانوند

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	مثال این که... مثالهای تربیتی با قابلیت اجراء ، گفتگوی دینی والدین و مربیان با بچه ها
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	مقدمه:
۱۲	اهمیت و قدرت تمثیل
۱۵	فواید تمثیل در آموزش و تغییر رفتار:
۱۶	۱- دین یک نظام است
۱۹	۲- درخت دین
۲۰	۳- دفترچه راهنما
۲۱	۴- اسلام و کمال دین
۲۲	۵- ظرفونو بزرگ کنیم
۲۳	۶- کوزه ی خالی
۲۴	۷- تغییر بینش، تغییر منش
۲۵	۸- عینک رنگی
۲۶	۹- مورچه ای فکر نکنیم
۲۷	۱۰- هذا من فضل ربّی
۲۸	۱۱- آهن ربا
۲۹	۱۲- هر کی سر جای خودش
۳۰	۱۳- هدف دقیق
۳۱	۱۴- هر روز بهتر از دیروز
۳۲	۱۵- نخ و سوزن
۳۳	۱۶- رفت با خودتون
۳۴	۱۷- کلید توسل
۳۵	۱۸- سیم قوی

- ۱۹- وسیله مهبیاست ۳۶
- ۲۰- رنگ خدا ۳۷
- ۲۱- قیچی خوف و رجا ۳۸
- ۲۲- الهی شکر ت ۳۹
- ۲۳- سپر بلا ۴۰
- ۲۴- دوا و دعا ۴۱
- ۲۵- به اندازه ی شعاع فقر ما ۴۲
- ۲۶- سگ تعلیمی ۴۳
- ۲۷- دسته گل محمدی ۴۵
- ۲۸- حساب کن بریم ۴۸
- ۲۹- نخوردید؟ ۵۰
- ۳۰- یه ویروس ۵۲
- ۳۱- واکنش روح ۵۳
- ۳۲- عصبش سوخته ۵۴
- ۳۳- توپ سوراخ ۵۵
- ۳۴- اصلی و بدلی ۵۶
- ۳۵- موش ریا ۵۷
- ۳۶- ریشه ی اعمال ۵۸
- ۳۷- آگه با ارزش بود ۵۹
- ۳۸- بی مزه که شدی ۶۰
- ۳۹- حد وسط ۶۱
- ۴۰- گلاب ناب ۶۲
- ۴۱- شیر بی مزه ۶۳
- ۴۲- عمل شایسته ۶۴
- ۴۳- بازم لامپو شکستند ۶۵
- ۴۴- زمینه ی نفوذ ۶۶

- ۴۵- ترازوی زبان ----- ۶۷
- ۴۶- متناسب نیاز ----- ۶۸
- ۴۷- قابلیت هم می خواد ----- ۶۹
- ۴۸- رشدکاریکاتوری ----- ۷۰
- ۴۹- هُلش بدید ----- ۷۱
- ۵۰- مربیشون کیه؟ ----- ۷۲
- ۵۱- معدن های طلا و نقره ----- ۷۳
- ۵۲- با لذت بردن مخالف نیست ----- ۷۴
- ۵۳- چوب کبریت ----- ۷۵
- ۵۴- خودشناسی ----- ۷۶
- ۵۵- پلیدی پلیدی میاره ----- ۷۷
- ۵۶- مثل حرارته ----- ۷۸
- ۵۷- ایمانت رو خاکستر می کنه ----- ۷۹
- ۵۸- ایمان را فاسد می کند ----- ۸۰
- ۵۹- ایمان را ذوب می کند ----- ۸۱
- ۶۰- طهارت روح ----- ۸۲
- ۶۱- گواهینامه ----- ۸۳
- ۶۲- غذای متناسب ----- ۸۴
- ۶۳- ستون دین ----- ۸۵
- ۶۴- لذت عبادت ----- ۸۶
- ۶۵- پنج دقیقه وقت اضافه ----- ۸۷
- ۶۶- لکه رو عینک ----- ۸۸
- ۶۷- صدای تقلبی میده ----- ۸۹
- ۶۸- فرصت پرش ----- ۹۰
- ۶۹- حفظ دین سخت میشه ----- ۹۱
- ۷۰- امتحان و بندگی ----- ۹۲

- ۷۱- یه امتحان بود ----- ۹۳
- ۷۲- دارالتربیه ----- ۹۴
- ۷۳- زخم کهنه ----- ۹۵
- ۷۴- با ماشین رنو همیشه ----- ۹۶
- ۷۵- ظرف دل ----- ۹۷
- ۷۶- لباس تقوا ----- ۹۸
- ۷۷- یخ فروش ----- ۹۹
- ۷۸- بانکی باش ----- ۱۰۰
- ۷۹- نان سنگگ ----- ۱۰۱
- ۸۰- تخته سنگ بزرگ ----- ۱۰۲
- ۸۱- گیرنده تنظیم نیست ----- ۱۰۳
- ۸۲- مراتب ایستادگی ----- ۱۰۴
- ۸۳- تا جوانی ----- ۱۰۵
- ۸۴- گُل و گمراه ----- ۱۰۶
- ۸۵- استمرار و مداومت میخاد ----- ۱۰۸
- ۸۶- شکستگی پیش نره ----- ۱۰۹
- ۸۷- همین که جوش زد ----- ۱۱۰
- ۸۸- طناب دعوا ----- ۱۱۱
- ۸۹- از حق تا باطل ----- ۱۱۲
- ۹۰- بندازش به نور ----- ۱۱۳
- ۹۱- چون الف باش ----- ۱۱۴
- ۹۲- بطری در بسته ----- ۱۱۵
- ۹۳- عشق به خدا ----- ۱۱۶
- ۹۴- هوا گیری ----- ۱۱۷
- ۹۵- فرودگاه دل ----- ۱۱۸
- ۹۶- کاسه ی وارونه ----- ۱۱۹

- ۹۷- حفاظت از کشتی جامعه ۱۲۰
- ۹۸- جلوی مسمومیت را باید گرفت ۱۲۱
- ۹۹- لباس خاکی، لباس دوده ای ۱۲۲
- ۱۰۰- نگذاشت گریه جوجه را بخورد ۱۲۳
- ۱۰۱- میوه فاسد ۱۲۴
- ۱۰۲- سیگار غیبت ۱۲۵
- ۱۰۳- چاه؛ دنیاست... ۱۲۵
- ۱۰۴- تشنه ی آب شور ۱۲۶
- ۱۰۵- پل دنیا ۱۲۷
- ۱۰۶- آئینه ۱۲۸
- ۱۰۷- مؤمن غرض و مرض ندارد ۱۲۹
- ۱۰۹- ارزش مؤمن ۱۳۱
- ۱۱۰- لباس بازیکنان ۱۳۲
- ۱۱۱- ۱۳۳
- ۱۱۲- هدف ۱۳۴
- ۱۱۳- عمر بی حاصل ۱۳۵
- ۱۱۴- عمر با برکت ۱۳۶
- ۱۱۵- دوچرخه ی زندگی ۱۳۷
- ۱۱۶- بازیکن جوان ۱۳۸
- ۱۱۷- تکیه بر خدا توکل به خدا ۱۳۹
- ۱۱۸- دار و ندارم ۱۴۰
- ۱۱۹- ضرورت توسل و عبادت ۱۴۳
- ۱۲۰- انسان آسیب ناپذیر ۱۴۴
- ۱۲۱- کلید گنج علم ۱۴۵
- ۱۲۲- ریاخوار بدبخت ۱۴۶
- ۱۲۳- بی نیازی ۱۴۷

- ۱۴۸ ----- ۱۲۴- پشت و پناه شیعیان
- ۱۴۹ ----- ۱۲۵- آفساید
- ۱۵۰ ----- ۱۲۶- پاس اشتباه
- ۱۵۱ ----- ۱۲۷- ضرورت حجاب
- ۱۵۲ ----- ۱۲۸- فریب دروازه بان
- ۱۵۳ ----- ۱۲۹- گرمای عشق
- ۱۵۴ ----- ۱۳۰- ارزش عشق
- ۱۵۵ ----- ۱۳۱- راه یافتن دل آدمی به کوی یار
- ۱۵۶ ----- ۱۳۲- مجری الهی
- ۱۵۷ ----- ۱۳۳- مهمترین نقش
- ۱۵۸ ----- ۱۳۴- مثله، بالاتر از قانون
- ۱۵۹ ----- ۱۳۵- گلوله برفی
- ۱۶۰ ----- ۱۳۶- سیب خوب
- ۱۶۱ ----- ۱۳۷- ریزش گناهان
- ۱۶۲ ----- ۱۳۸- گنجشک گرفتار
- ۱۶۳ ----- ۱۳۹- عجب طعمی
- ۱۶۴ ----- ۱۴۰- گناهان نیز این گونه جمع می شود.
- ۱۶۴ ----- فهرست منابع:
- ۱۶۷ ----- درباره مرکز

مثل این که... مثالهای تربیتی با قابلیت اجراء ، گفتگوی دینی والدین و مربیان با بچه ها

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: مثل این که... مثالهای تربیتی با قابلیت اجراء ، گفتگوی دینی والدین و مربیان با بچه ها / نویسنده :
فهیمة بیرانوند

ناشر: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۹ ش

تعداد صفحات: ۱۴۷ ص

زبان : فارسی

موضوع: تربیت

موضوع: والدین - فرزندان

ص: ۱

مقدمه:

در مسیر ارائه ی مفاهیم دینی و تربیت اسلامی، والدین و مربیان با سؤالاتی از جانب بچه ها مواجه می شوند که گاه سطح درک و فهم بچه ها برای درک آن موضوع بالا نیست، و یا زبان پاسخگویی متناسب با آن در توان مربی و یا والدین نمی باشد. در اینجاست که بهره گیری از تمثیل کار ما را آسان می کند. در این نوشتار تمثیلاتی جمع آوری شده است که همگی جنبه ی اجرایی و عملیاتی و قابلیت تصویرگری را دارند تا در فضایی غیر آموزشی و غیر رسمی و غیر مستقیم مفاهیم دینی انتقال داده شود. در صورتی که والدین و مربیان بتوانند هر کدام از تمثیلات را به طور عملی اجرا کنند، هم ماندگاری ذهنی و هم تأثیر آن در ذهن مخاطبان بیشتر خواهد بود.

اهمیت و قدرت تمثیل

بهترین زبانی که می تواند معارف عقلی و مفاهیم معنوی را برای مردم تبیین کند زبان تمثیل است، به گونه ای که قرآن کریم در شیوه ی تربیتی خود، ضمن بهره گیری از سایر شیوه ها، از مثال های نغز و شیرین نیز استفاده کرده است تا احساسات شنونده را برانگیزد؛ همان گونه که می فرماید:

(وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ) الزمر/۲۷.

و ما در این قرآن برای هدایت مردم همه گونه مثل های روشن آوردیم، باشد که آنها پند پذیرند.

از شیوه هایی که پیامبر اکرم و ائمه ی اطهار صلوات الله علیهم اجمعین در سیره ی آموزشی و تربیتی خویش فراوان به کار گرفته اند استفاده از تمثیل برای تسهیل در انتقال آموزه های اخلاقی و دینی است. ایشان برای نزدیک ساختن مطالب عالی به افق فهم و درک مخاطبان به فراوانی از این صنعت بهره می جستند. آنجا که مطلبی به خاطر ابهام در خور درک عوام نیست، و یا معانی مجرد، در تنگنای ظرف حروف و کلمات نمی گنجد، با بهره گیری از زیباترین تمثیلات، مشتاقان محروم را (رزق معلوم) و نیازمندان تعلیم و تربیت را (رحیق مختوم) می چشانند. حسن بن عبدالله العسکری در کتاب الأمثال هزار حدیث حاوی هزار مثل از کلام پیامبر خدا نقل کرده است.

(حیاه الحيوان الکبری، ج ۱ ص ۱۴؛ الأسد رامهرمزی امثال الحدیث، ج ۱ ص ۹؛ به نقل از نگاهی به سیره ی آموزشی رسول خدا ص، احمد کریمیان، ص ۱۴۲، بوستان کتاب، چاپ اول ۱۳۹۰)

مرحوم استاد علامه جلال الدین همایی می گوید:

«به عقیده ی من مهم ترین قسمت های ادبی هر زبانی امثال سائره ی آن زبان است که یک دنیا معنی را در یک جمله می پروراند. به علاوه، امثال سائره ی هر ملتی بهترین یادگار و نمونه ی آداب و رسوم و عقاید و روحيات هر ملتی است. هر قدر

ملّتی عالم تر و متمدّن تر باشد امثال حکیمانه ی او بیشتر است. گاهی یک مثال کوچک کار یک مقاله و یک رساله را انجام می دهد. «مثل» در واقع، فشرده افکار هر قومی است. تمامی افکار و تخیلات و احساسات را عصاره گرفته و آن را مثل نامیده اند.» همایی، جلال الدّین، معانی و بیان، صص ۱۳۹ و ۱۴۳.

علامّه محمد تقی جعفری می گوید:

«شاید به جرأت بتوان گفت: بزرگ ترین و سازنده ترین کاری را که شخصیت های ادبی تاریخ انجام داده اند تطبیق و قابل فهم ساختن حقایق معقول به وسیله ی تشبیه، تجسیم، تنظیر و تمثیل به محسوسات بوده است که عده ای از پیشتازان قلمرو ادب موفّق به آن شده اند.» جعفری، محمد تقی، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، ص ۴۰.

یکی از روش های تربیتی که والدین و مربیان باید از آن بهره گیرند روش تمثیلی است.

تمثیل به عنوان روش تربیتی بیشتر بر این نگاه مبتنی است که معطل گذاشتن متربی یا فشار آوردن بر او برای آموختن برخی معلومات، گاه وی را از پیشرفت و فهم باز می دارد، در حالی که مسائل پیچیده، نامحسوس و یا نامأنوس، به وسیله ی تشبیه و تمثیل و نیز نمایش بسیار آسان بیان می شود. از طرفی وقتی انسان خود را شبیه کسی قرار دهد و مانند قهرمانی که از مشکلات سرافراز بیرون آمده خود را در متن گرفتاری ها با همان نتیجه ی احتمالی ببیند، امید تلاش در او بیشتر و روحیه ی کار و کوشش در وی افزون می گردد.

این روش تربیتی به دلیل این که مفاهیم را عینی و ملموس و مطالب سخت را به صورت رسا و دلنشین به متربی القا می کند، جذّاب و بر انگیزاننده است، در عین حال بیان مطلب از طریق تشبیه و تمثیل برای مخاطب بیدارگر است و خرد او را به تفکر وادار می کند. دکتر حسین سلیمی بجستانی، مدیر مرکز مشاوره و بهداشت روان دانشگاه علامه طباطبایی.

شواهد نشانگر این است که مدت ها پیش از شروع روان درمانگری به شکل فعلی، داستان ها، اساطیر و تمثیل ها به منزله ی یک عامل اصلاح، بازسازی و درمان عامیانه، در کمک به حلّ تعارضات درونی انسان ها نقش عمده ای داشته اند. در فرهنگ شرقی به ویژه در فرهنگ ایرانی، داستان ها، حکایات و تمثیل ها به منزله ی ابزار تعلیم و تربیت غیر مستقیم به طور روزمره به کار گرفته شده اند.

با نگاهی به کتب و متون کهن فارسی از قبیل سندبادنامه، مرزبان نامه، کلیله و دمنه، مثنوی معنوی، فیه مافیه، مقالات شمس، مثنوی های عطار، گلستان، شاهنامه ی فردوسی و ... در می یابیم که افسانه ها، داستان ها و تمثیل های فارسی برای مقاصد خاص آموزشی و تربیتی طراحی شده اند. در واقع تمثیل ها داستان های آموزشی هستند که به صورت غیر مستقیم اما بسیار با قدرت، معانی متفاوتی را برای بازسازی تجارب فرد و ارائه ی نگاهی نو از منظری غیرمنتظره و یا غیرعادی ارائه می کنند.

پور نامداریان، تقی، رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۶، انتشارات علمی فرهنگی.

یکی از جنبه های بسیار مهم تمثیل که آن را به ابزاری قدرتمند برای تربیت مبدّل می سازد، این است که تمثیل به مربی امکان

می دهد تا مفاهیم پیچیده و سخت را که توضیح و تبیین آن برای متربی بسیار دشوار می نماید، به شکل کاملاً عینی و ساده باز آفرینی کند.

ص: ۳

فواید تمثیل در آموزش و تغییر رفتار:

تمثیل و حکایت به دلیل جذابیت ذاتی خود به طرق گوناگون با خواننده ارتباط برقرار می کند. برخی از سودمندی های تمثیل عبارت است از:

- تغییر خلق و افزایش سطح انرژی فرد یا گروه؛
- دیدن یک رفتار یا نگرش از زوایای گوناگون؛
- آموختن نکات مهم به طور غیر مستقیم؛
- نشان دادن اینکه یک مسئله یا مشکل منحصر به فرد و جدید نبوده، بلکه همواره همنوعی وجود داشته است؛
- تقویت خلاقیت ذهنی؛
- تشویق به بحث و مناظره؛
- تسهیل ارتباط با استفاده از حواس چند گانه؛
- ایجاد رابطه بین گذشته و حال و آینده؛
- پرورش مهارت های تصویر سازی ذهنی؛
- ساده سازی ایده های پیچیده؛

صاحبی علی، تمثیل درمانگری در بازسازی شناختی، تهران، ۱۳۸۷، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

در پایان این مقدمه متذکر می شویم، والدین و مربیان می توانند با بهره گیری از آیات و روایات و بیان این تمثیلات در فضایی غیر رسمی، در تعمیق باورهای دینی کودکان و نوجوانان تأثیر گذار باشند.

۱- دین یک نظام است

از ما دین می خواهند

دین یک نظام است

نظام از کلمه ی نظم گرفته شده

نظم یعنی: هر چیزی سر جای خودش

معادل کلمه ی نظام «سیستم» است.

سیستم: از شدت ارتباط بین اجزاء یک مجموعه ی به هم پیوسته و هدفدار تشکیل می شود.

دین نیز دارای اجزایی است که باید اجزایش کاملاً با هم ارتباط داشته و هدفمند باشند.

با یک خودرو و یا یک دوچرخه می توان نظام مندی دین را توضیح داد و بیان کرد که دین در صورتی کارآیی خواهد داشت و ما را به منزل مقصود خواهد رساند که اولاً تمام اجزایش سر جای خودش باشد و بتوانیم میان اجزایش ارتباط برقرار کرد و در سوی دیگر تمام اهداف هم به رضای خدا منتهی گردد.

اگر شما زنجیر چرخ یک دوچرخه را از چرخ دنده ی آن جدا کنید، این دوچرخه دیگر نمی تواند کار کند؛ چون یک جزء آن در جایگاه اصلی خودش قرار ندارد. لذا چون ارتباط بین اجزاء قطع شده است، کل سیستم کار نمی کند.

نمی شود نماز خواند ولی زکات و خمس نداد؛ و یا امر به معروف نکنیم و بعد مدعی باشیم که دین نیاز اجتماعی ما را تأمین نمی کند.

توجه: دین یک سیستم نیست، بلکه یک اکو سیستم است. دین یک پدیده ی مکانیکی نیست، بلکه یک ارگانیک است. دین مجموعه ای حیات دار و زنده است. استاد شهید مطهری(ره): دین یک کل تجزیه ناپذیر است. در معنای آیه ی شریفه:

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ... الزّوم/۴۱.

«فساد» یعنی قطع ارتباط میان اجزاء دین که به واسطه ی عمل نکردن مردم صورت می گیرد. اگر نیازهای فردی، اجتماعی، روحی، روانی و... ما برآورده نمی شود، مشکل از دین نیست، مشکل از دینداری ماست.

سیستم مرکزی

دین یک اکو سیستم است و میان اجزایش ارتباط برقرار است ما هم باید با عمل کردن به مجموعه ی دین، ارتباط بین اجزاء آن را قطع نکنیم. در بسیاری از سیستم ها شما شاهد مجموعه ای از سیستم های مرکزی و راهبردی هستید؛ همچون سیستم

خودرو سواری که بر فرض از ۴۲۲۱ قطعه تشکیل شده است. ولی این سیستم دارای یک موتور است که با اینکه در درون یک مجموعه قرار دارد ولی به طور مستقل خود نیز یک سیستم است و با کل مجموعه ارتباط اساسی دارد. در مجموعه ی

منسجم

ص: ۵

دین موضوعاتی همچون سیستم های مرکزی وجود دارد که نشانی بر اهمیت این موضوعات است همچون: ولایت، امامت، نماز، صداقت، محبت اهل بیت علیهم السلام، عمل گرایی، تبری. مربی می تواند با تشریح یک سیستم و توضیح سیستم مرکزی آن و ارتباط آن با کل مجموعه، ارتباط موضوعات مطرح شده را با کل مجموعه ی دین بیان نماید.

(فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ)
الرُّوم/۳۰.

پس روی خود را پاکدلانه متوجه آیین پروردگار کن. این سرشت الهی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده است. هیچ دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی دانند.

ص: ۶

۲- درخت دین

دین از چند قسمت مهم تشکیل شده است: اعتقادات، احکام، اخلاق.

دین همچون درختی است که ریشه ی آن اعتقادات است و تنه و شاخه های دین که آن را روی پا ننگه داشته احکام است؛ یعنی دستوراتِ چگونه زیستن. میوه ی این درخت هم اخلاق است.

با تشریح این مثال می توان اهمیت هر قسمت را متذکر شد. به طور مثال: اعتقادات باید از سر چشمه ی پاک و زلال وحی گرفته شود.

عمل، تکلیف و ایدئولوژی در اسلام همچون تنه ی درخت اسلام است.

با اشاره به یک درخت میوه دار می توان این مثال را توضیح داد.

ص: ۷

۳- دفترچه راهنما

تمام کارخانه ها برای استفاده ی بهینه و صحیح از کالایشان در کنار وسایل تولیدی، خواندن کاتالوگ و دفترچه ی راهنما را پیشنهاد می کنند.

ما نیز سازنده ای داریم که از تمام ابعاد وجودی و ساختار روحی، روانی، فکری و جسمی ما آگاهه.

قرآن به عنوان کتاب هدایت برنامه ی بهتر زیستن و شیوه ی رشد دهی و شکوفایی انسان را ارائه نموده است که باید چراغ راهنما باشد. (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) البقره/۲.

این کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه ی هدایت پرهیزکاران است.

با نشان دادن یک کاتالوک می توان از این مثال بهره گرفت.

ص: ۸

رسول خدا صلی الله علیه و آله دیگر زمینه ای برای هیچ پیغمبری بعد از خودش باقی نگذاشته است؛ یعنی آخرین حد معارف همانی است که او بیان کرده است.

مثل این است که شما می خواهید ببینید در کره ی ماه چه خبر است. اول یک فضاپیما می رود عکس برداری می کند و خبرهایی می دهد مقدراری اطلاعات به دست می آید. بعد فضاپیمای دیگری می فرستند که از اولی کامل تر باشد. اطلاعات بیشتری می دهد و همین طور، ولی نهایتاً به جایی می رسد که بشر دیگر نمی تواند چیز دیگری کشف کند ممکن است چیز های دیگری هم مانده باشد، اما در حد بشر نیست؛ دیگر بعد از آن هرچه فضاپیما بفرستید، انسان بفرستید، اگر خبری دارد، همان خبری است که قبلاً بوده و دیگر خبری نیست.

خاتمیت از نظر معارف الهی یعنی: ختام، تمام، فصل کامل. فصل کامل که صورت گرفت، دیگر فصل دیگری که مغایر با آن باشد معنا ندارد. فرض کنید که بعد از پیامبر خاتم هم پیامبری بیاید و در حد او باشد، باز عین حرف او را تکرار می کند.

تمثیلات و تشبیهات در آثار شهید مطهری (ره)، ص ۱۰۱؛ اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۲۰۶.

۵- ظرفمونو بزرگ کنیم

لیوان آب که مقداری از آن خالیه رو در کنار آکواریوم و یا هر ظرف بزرگ دیگری قرار دهیم. یک مشت سنگ ریزه داخل لیوان آب بریزیم، به طوری که لبریز و سرریز بشه.

حال یک مشت سنگ ریزه را داخل ظرف بزرگ تر می ندازیم

بچه ها این لبریز نشد! چرا؟

اونایی که ظرف وجودشون کوچیکه زود سر میرند، حتی با چیزهای کوچک، ولی اونایی که با ظرفیت هستند، چیزهای کوچک اونها را لبریز نمی کند.

یک استکان آب در دستش بود. یک قطره جوهر داخلش ریخت، بعد هم یک قطره جوهر داخل حوض ریخت و گفت: اونایی که ظرفیتشون کمه زودی به هم می ریزند و رنگ می بازند و تحت تأثیر مشکلات قرار می گیرند، ولی اونایی که دریا دلند و دریا سان، به این راحتی نمیشه به همشون ریخت.

ص: ۱۰

۶- کوزه ی خالی

کوزه ای که یک کم آب داخلش باشه اگه تکانش بدید خیلی سر و صدا می کنه، ولی کوزه ای که پر از آبه سر و صدا نداره.

اُونایی هم که هی سر و صدا و قیل و قال می کنند، معلومه که خیلی بارشون نیست. با آوردن یک کوزه یا یک بطری می توان این مثال را اجرا نمود.

درخت وقتی که بار می گیره سر به زیر میشه.

می توان با در دست داشتن یک مشت پول خُرد صدای اُونا را درآورد، ولی بیچه ها این اسکناس ها سر و صدا ندارند.

ص: ۱۱

۷- تغییر بینش، تغییر منش

مقداری لواشک غیر بهداشتی دستش بود و به بچه ها نشون می داد.

بفرمایید!

می خواهید قبل از خوردن یه کم با دقت نگاه کنید؟

اگر با دقت می خواهید نگاه کنید اینجا ذره بین هست.

با دقت بیشتر، میکروسکوپ هم اینجاست.

ولی با دقت بالاتر، اینجا یک میکروسکوپ کامپیوتری هست که قدرت نگاه شما و نفوذ نگاهتون رو ۶۰۰۰ برابر خواهد کرد.

هر کس دوست داره بیاد ببینه [یک نگاه جدید به لواشک]!

آقا ما دیگه نمی خوریم.

چرا؟

چون داریم می بینیم یه چیزهایی داره پشتک و وارو می زنه. اینا میکروبنده، باکترینه، چی اند؟

سؤال: چرا نمی خورند؟

چون دیدشون به موضوع عوض شده. با دقت بیشتری دارند نگاه می کنند.

می شود نتیجه گرفت که اگر دقت و نفوذ نگاهمون را زیاد کنیم و با دقت بیشتری به مسائل بنگریم، رفتار ما تحت تأثیر بینش

ما تغییر خواهد کرد.

فهم دهی، تأمل و فکر کردن و درنگ نمودن و نگاه عمیق و تحلیل دار می تواند نفوذ نگاهمان را بالا ببرد.

ص: ۱۲

کسی که عینک قرمز به چشم می زنه همه چیز را قرمز می بینه.

شلغم رو لبو میبینه، آب رو نوشابه.

اگه شیشه ی عینک سبز باشه کاه رو علف میبینه.

تعصبات و احساسات شدید روی بینش و دیدن ما تأثیر گذارند.

کسی که بد بینه یا خوش بینه، به هر حال واقع بین نیست.

برای داشتن نگاه واقع بین باید تلاش کنیم تعصبات و نگرش های منفی را از بین ببریم.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَ يُصِمُّ»

عشق تو به چیزی، کور و کورت می کند منتخب میزان الحکمه، ص ۱۲۴ ح ۱۳۲۲ .

۹- مورچه ای فکر نکنیم

یک مورچه تا وقتی که روی فرش داره راه میره به هر رنگ و گُل و بوته ی فرش که می رسه خیال می کنه اطرافش همین یک رنگه. هیچ وقت نمی تونه کلیت طرح و نقشه ی فرش رو ببینه؛

چون روی فرشه، مگر اینکه از افق بالا تر به کل فرش نگاه کنه.

آدم هایی که فقط جلوی پاشون رو می بینند همین طورند، به هر موضوع و مسئله که برخورد می کنند دائماً نق می زنند که چرا اینجوریه و چرا اون جوریه؟

اما اونایی که دیدشون بلند و سطح فکرشون بالاست و از بالا به قضایا نگاه می کنند و کلیت کار رو می بینند، چون همه ی نقش و نگار و نقشه را نظاره گردن نق زدشون کمتره.

توجه به کلی نگری در مقابل جزئی نگری.

تحلیل داشتن، افق بلند و دور اندیشی لازمه اش این است که جامعیت موضوعات را دریابیم

یک فوتبالیست وقتی بهش پاس می دند و او شوت می کنه تو دروازه و گل می شه، همه می ریزند روی سرش و ازش تشکر می کنند و تماشاچی ها همه تشویقش می کنند.

ولی اگه خودش انصاف داشته باشه، می فهمه موفقیتش مرهون تلاش همه ی بچه ها بود! نمی شه نقش همه ی بازیکنها و مربی و... را نادیده گرفت.

خدا هم از انتهای زمین توپ را تا جلوی پای ما آورده؛ اون رو جلو پای ما انداخته خودش هم توفیق داده و دست ما رو بالا برده. وقتی کار خیری از ما سر می زنه، باید خودمون را بدهکار خدا بدونیم.

(فَلَمَّ تَقْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيُبَلِّغَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءَ حَسِينًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) الأنفال/۱۷.

«این شما نبودید که آنها را کشتید، بلکه خداوند آنها را کشت؛ و این تو نبودی (ای پیامبر!) که [خاک] به آنها پرتاب کردی، بلکه خدا انداخت و خداوند این کار را کرد تا مؤمنان را به این وسیله به خوبی امتحان کند. مسلماً خداوند شنوا و داناست.»

(...وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ) هود/۸۸.

«و توفیق من، جز به واسطه ی خدا نیست! بر او توکل کردم و به سوی وی باز می گردم.»

(قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَ أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ...) النمل/۴۰.

[اما] کسی که دانشی از کتاب [آسمانی] داشت گفت: من آن را پیش از آنکه چشم بر هم بزنی، نزد تو می آورم. آنگاه وقتی که [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود ثابت و پا برجا دید گفت: این از فضل پروردگار من است؛ تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می آورم، یا ناسپاسی می کنم...»

سنجاقی رو زد به آهن ربا.

بعد هم چند تا سنجاق رو وصل کرد به همون سنجاقه.

می گفت: بچه ها این سنجاق می تونه اینا رو نگه داره.

یکی گفت: اگه راست میگی سنجاق اصلی را از آهن ربا جدا کن.

تا این کار رو کرد، همه ی سنجاق ها ریختند.

مخلوقات هم هر چی دارند از خدا گرفته اند، و گر نه از خودشون هیچی ندارند.

توجه به اینکه انسان عین فقر است و سراپای وجودش احتیاج دائمی است.

(يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ) فاطر/۱۵.

«ای مردم شما [همگی] نیازمند به خدایید و تنها خداوند است که بی نیاز و ستوده است.»

۱۲- هر کی سر جای خودش

رضا می گفت: متورم رو گذاشته بودم جلوی در خونه ولی گم شده.

- چطور؟

- وقتی اوادم دیدم سر جاش نیست.

ما هم اگر سر جای خودمون نباشیم گم می شیم.

راستی جای ما کجاس؟

جای ما یاد خدا و توجه به الله است. جای ما بندگی و عبودیت و یاد اهل بیت و همراهی با ایشان است.

اونهایی که در این جایگاه ها نباشند و تو صحنه و صفحه نباشند گم میشوند.

آخرین مکالمات خلبانانی که سقوط کرده اند این بوده که ارتباطمون با برج کنترل قطع شده.

توی برج کنترل هم می گفتند: توی صفحه رادار نیستند، گم شدند.

اگر ما هم در جایگاه ذکر و یاد خدا نباشیم و ارتباطمون قطع بشه، گمشدگی و سقوطمون حتمیه.

توجه به آیات: (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) الحشر/۱۹.

و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد. آنها گناهکاران اند.

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) الذاریات/۵۶.

من جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند.

جایگاه شیعیان در دعای ندبه: وَ شِيعَتِكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبِيضَةٍ وَ جُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ جِيرَانِي.

شیعیان تو ای علی بر منبرهایی از نور با چهره های نورانی در بهشت اطراف ما و همسایگان ما هستند.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: تعجب می کنم از کسی که چیزی گم کرده است و به دنبال آن می گردد، ولی خود را گم کرده و به دنبال خود نیست.

۱۳- هدف دقیق

وارد جلسه شد و از بچه ها پرسید:

من کجا میخوام برم؟

جواب: بگو کجا می خوای بری؟ تا بهت بگیم از کدوم طرف بری.

چرا یک عده گویی گیج اند، گم اند، سر درگم اند، نمی دونند چکار می کنند؟

چون هدف ندارند و نمی دانند کجا می خواهند بروند!

کسی که دقیق ترین هدف رو فراموش کنه، مبتلا به خودگمشدگی میشه.

دقیق ترین هدف الله است.

توجه به: هدفمندی در زندگی و گرایش های الهی در کارها: نیت خالص.

هدف عامل حرکت است. هرچه هدف دقیق تر، شفاف تر و مشخص تر باشه، مسیر رسیدن به آن روشن تر خواهد شد.

ص: ۱۸

۱۴- هر روز بهتر از دیروز

گوشی های موبایل را نگاه کنید. هر کدام از یک کارخانه تولید می شوند. اما آنچه اهمیت دارد این است هر کارخانه دائم در حال تولید گوشی های جدید تر است؛ از این رو می بینیم هر روز مدل گوشی ها عوض می شود و از قابلیت ها و امکانات جدیدی برخوردار می شوند که در سابق نداشتند.

انسان هم باید هر روز این گونه باشد. انسان باید تلاش کند که امروزش بهتر از دیروز و فردایش بهتر از امروز باشد.

ص: ۱۹

ایمان و عمل صالح مانند نخ و سوزن هستند. زمانی کارآیی دارند که به هم متصل و همراه باشند. با جدایی آنها چیزی دوخته نمی شود.

اگر عمل صالح باشد ولی از روی ایمان و اعتقاد و نیت خالص نباشد، اجر و ثوابی برای آن نیست، اگر ایمان هم باشد ولی عمل صالح نداشته باشیم، باز این ایمان کارآیی نخواهد داشت.

(مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) النحل/۹۷.

هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن و در عین حال با ایمان باشد، قطعاً به او زندگی پاکیزه ای خواهیم داد و به چنین کسانی بر پایه ی بهترین کاری که انجام می دادند پاداش خواهیم داد.

به همین دلیل خداوند در قرآن می فرماید: ایمان و عمل صالح؛ و این یعنی ایمان به تنهایی کافی نیست و باید با عمل همراه باشد.

با همراه داشتن نخ و سوزن، می توان این مثال را توضیح داد.

۱۶- رفت با خودتون

قرار بود زمان دقیق حرکت اردوی مشهد مقدس را اعلام کنند.

بین نماز مغرب و عشاء آقای احمدی اعلام کرد نوجوانان عزیز توجه کنند! جمعه ساعت ۹ صبح حرکت است. فقط غذای رفت با خودتون، اسکان و پذیرایی اونجا با ماست.

پیر مرد با صفایی کنار دستم نشسته بود

گفت: عزیزم از همه ما هم آذوقه ی رفت رو می خواند. خیلی مهمه. اسکان و پذیرایی هم اونجا مهیاست. برگشتی هم در کار نیست،

با تعجب گفتم: بیخشید متوجه نشدم!

خیلی ساده و خودمونی گفت: بعد از مُردن ما وارد برزخ میشیم. تا وقوع محشر و قیامت همه در عالم برزخیم و بیشتر سختی ها توی برزخه فرمودند: ما می ترسیم از برزخ برای شما.

بعد که محشر میشه، ان شاء الله شفاعت، هست دستگیری از شیعیان هست،

ولی در برزخ هر کس باید از آذوقه و کوله بار آماده ی خودش بهره بگیره.

توی سفر آخرت هم برزخ؛ مثل، «رفت با خودتونه»، است.

آخر الامر گِل کوزه گران خواهیم شد

حالیا فکر سبو کن که پر از باده کنی.

امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند از برزخ بر شما می ترسم. (راوی گوید:): برزخ چیست؟ فرمود: گور، از زمان مرگ تا روز رستاخیز.

(وَ اللّٰهُ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكُمْ فِي الْبَرْزَخِ! قُلْتُ: وَ مَا الْبَرْزَخُ؟ فَقَالَ: الْقَبْرُ مُنْذُ حِينَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.) منتخب میزان الحکمه، ص ۷۰، ح ۷۶۱.

اگه لامپ روشن نمی شه، یا لامپ سوخته. یا سیم قطع شده، یا کلید اتصال [توسل] را زده ایم.

چرا که همیشه جریان لطف و عنایت خداوند دائمی بر سر ما هست.

با بیان این مثال می توان به:

شرایط و موانع استجاب دعا، و روش دعا و توسل و اینکه چرا بعضی از دعاهایمان مستجاب نمی شود اشاره نمود.

(وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ) غافر/۶۰.

و پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

(قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ...) الفرقان/۷۷.

بگو پروردگارم به شما توجهی نمی کند اگر دعای شما نباشد...

وجود نازنین محمد و آل محمد صلوات الله عليهم اجمعين واسطه ی فیض الهی به مخلوقات هستند؛ مانند جریان برقی که برای انتقال از نیروگاه به شهر دل ها باید از سیم های قوی گذر کند.

این بزرگواران چون ظرفیتشان بسیار بالا بود، وسیله و واسطه ی انتقال فیض میان خدا و خلق خدا شده اند؛ همان طور که نمی شود یک لامپ ۱۰۰ وات را مستقیم به برق سه فاز وصل کرد، بلکه احتیاج به یک ترانس واسطه است که هم قابلیت دریافت آن معارف بالا را داشته باشد و هم توانایی انتقال آن به خلق خدا را.

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ... المائدة/۳۵).

ای کسانی که ایمان آورده اید پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله ای برای تقرب به خدا انتخاب نمائید...

امام کاظم علیه السلام فرمودند: هرگاه خواستی از خداوند حاجتی طلب کنی، بگو: خدایا به حق محمد و علی از تو مسألت می کنم؛ زیرا که آن دو را نزد تو منزلتی است.

به ترمینال مسافربری که وارد می شوید نمایشگرها برای تمام ساعات شبانه روز نوع وسیله و مسیر را نشون می دند.

مشهد مقدس: ساعت حرکت ۶ صبح، تعاونی ۱۵ * ۷ صبح، تعاونی ۱ * ۸ صبح، تعاونی ۷ * و...

ولی معنای این تابلوها این نیست که مردم در همه ی ساعات مسافرت کنند،

معنای اینها هر مسافری در هر ساعتی تصمیم به سفر داشته باشه وسیله مهیاست.

اگر در کتاب های دعا هم برای تمام لحظات روز دعا وارد شده، شاید معنای این نیست که تمام ۲۴ ساعت شبانه روز بشینیم و دعا کنیم، بلکه می خواند بگند: هر لحظه که بخواهی دعا کنی، وسیله و آداب خاصش وجود داره و وسیله مهیاست.

با در دست داشتن یک بلیط و یا یک کتاب دعا می توان توجه مخاطبین را به این مثال جلب نمود.

از سفارش های امیرالمؤمنین به فرزندش امام حسن علیهما السلام: در همه حال به یاد خدا باش.

الإمامُ علیٌّ مِنْ وَصَايَاهُ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عِنْدَ الْوَفَاءِ- وَ كُنْ لِلَّهِ ذَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ. منتخب میزان الحکمه، ص ۲۱۴، ح ۲۳۳۲.

تمامی کارهای انسان خدا پرست باید نام و آرم خدایی داشته باشد؛

همچون کارخانه های تولیدی که به تمام کالاها و تولیدات خود آرم و نشانه ی خود را می زنند.

سفارش به گفتن بسم الله الرحمن الرحيم و یا داشتن نیت خالص در هر کاری، نشاندار نمودن و رنگ و صبغه ی الهی دادن به آنهاست.

مربی با نشان دادن آرم کالا و اسم شرکت می تواند توضیح دهد که این علامت نشانه ی وابستگی اش به آن شرکت است و نیت خالص نشانه ی خدایی بودن کارهاست.

۲۱- قیچی خوف و رجا

قیچی چون دو تیغه ی مساوی داره قدرت برندگیش زیاده.

هر چه دولبه تیزتر، کارآیی اون بیشتر!

اگر انسان خوف و رجا زیاد داشته باشه و خوف و رجاش هم متعادل باشه، ایمان اون سالمه.

با داشتن ترس از گذشته که نکنه خدا مرا نبخشیده باشه، و امید به آینده است که انسان سرعت سیر پیدا خواهد کرد.

ترس و امید هر کدام یک لبه قیچی ایمان است که باید هم قد و اندازه هم باشند

امام صادق علیه السلام فرمودند: به خداوند چنان امیدوار باش که تو را بر انجام گناهان بی پروا نکند و از خدا چنان بترس که تو را از رحمت او نومید نسازد.

قال الصادق علیه السلام: أُرْجُ اللَّهَ رَجَاءً لَا يُجَرِّئُكَ عَلَى مَعَاصِيهِ وَخَفِ اللَّهَ خَوْفًا لَا يُؤْيِسُكَ مِنْ رَحْمَتِهِ. منتخب میزان الحکمه، ص ۱۸۶، ح ۱۹۹۳.

ص: ۲۶

خدای کریم در محدوده ی سر و صورتمان چشمه ی آب شیرین (دهان)، آب ترش (بینی) آب شور (چشم) و آب تلخ (گوش) را نهاده که اگر مزه ی یکی از اینها بهم بخوره، ما مشاعرمون را از دست خواهیم داد.

برای شکر نعمت یک کم توجه لازم است.

شاید شخصی یک عدد بستنی به ما بده و ما چند بار تشکر کنیم.

ولی خدا دو چشم گذاشته روی سرمون که اگر نبود...

شاید تا به حال خدا را برای این نعمت شکر نکرده باشیم.

توجه به شکر نعمت

(وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ) ابراهیم/۷.

و نیز به یاد آورید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: اگر شکر گذارید [نعمتم را] بر شما افزون خواهم کرد؛ و اگر ناسپاسی کنید مجازاتم شدید است.

(مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَ آمَنْتُمْ وَ كَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا) النساء/۱۴۷.

اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید چگونه ممکن است خداوند شما را مجازات کند؟! خداوند [در برابر اعمال شما] قدردان و [از آن] آگاه است.

(فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ) البقره/۱۵۲.

پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم؛ و شکر مرا به جا آورید و کفران نکنید.

(... اَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ) سبأ/۱۳.

ای خاندان داود! شکر به جا آورید؛ ولی عده ی کمی از بندگان من شکر گزارند.

در آنجا که تیر بلا و گرفتاری از همه طرف می بارد، به همراه داشتن سپر برای دفع بلا کاری عقلانی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: امواج بلا را با دعا پس زنید. «إِدْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالْدُّعَاءِ» منتخب میزان الحکمه، ص ۱۹۴، ح ۲۱۰۵.

دعا سپر و حفاظ از بلاست.

اهمیت دعا

کارکرد دعا رفع آثار گناه

یکی از آثار گناه گرفتاری است، ولی کسی اهل دعا و استغفار باشد، اثر گناه یعنی سختی در زندگیش کم خواهد شد.

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای

فرشته ات به دو دست دعا بلا نگه دارد

چرا بلا می آید؟ بلا می آید که ما را از غفلت بزدايد و توجه به خدا کنیم؛ یعنی هدفی که برای رسیدن به آن آفریده شدیم. حال اگر دعا در زندگی جاری باشد چه نیازی به بلاست؟

ص: ۲۸

با هم سرما خورده بودیم. هر دو دکتر رفتیم.

برای هر دو تامون یک نسخه پیچید.

یعنی قرص و شربت‌مون یکی بود، ولی اون خوب شد من نه.

می گفت: ذکرها هم همین طورند. دو نفر یک ذکر رو برای یک اثر می خوانند، برای یکی اثر داره، ولی برای دیگری نداره.

توجه دادن به ذکرهای مأثور و منصوص (آنچه در مفاتیح الجنان هست).

توضیح انواع ذکر و تأثیر گذاری آن که متناسب با ظرفیت ذاکر است.

پرهیز از ختم ذکرهای خاص بدون سفارش استادان اخلاق.

۲۵- به اندازه ی شعاع فقر ما

انسان آگه پی به این نکته برسد که فقیر است و محتاج، بیشتر می تواند جلب رحمت کند.

وقتی کسی دستش خالی باشد بیشتر می تواند چیزی بردارد یا وقتی که دستش پر باشد؟

اونی که می دونه چیزی در دست نداره و واقعاً به درگاه خداوند فقیراست، همیشه دستش بلنده و به همین خاطر خدا هم ظرف و ظرفیتش را زیاد می کنه.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: فقیر بودن افتخار من است و به آن می بالم. الْفَقْرُ فَخْرِي وَ بِهِ أَفْتَخِرُ. منتخب میزان الحکمه، ص ۴۵۰، ح ۵۰۵۳. (البته منظور فقر مادی نیست)

دایره ی وجودی ما به اندازه شعاع فقر مونه. هر چه انسان با تحقیق و فهم به این نتیجه برسه که فقیره، بیشتر درخواست می کنه و بیشتر می تونه عنایت خدا را جلب کنه.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ / فاطر/ ۱۵.

«ای مردم شما [همگی] نیازمند به خدايید و تنها خداوند است که بی نیاز و ستوده است.»

رفته بودیم خونه ی عمو میرزا.

در خونشون که رسیدیم یک سگ بزرگ داشتند که به طرف ما اومد و شروع کرد به پاس کردن.

ما هم که ترسیده بودیم شروع کردیم صدا زدن: آقا میرزا، آقا میرزا، آقا میرزا.

تا که صاحب خونه آمد، دستشو توی دست ما گذاشت. انگار سگه فهمید که خودی هستیم، رفت و نشست سر جاش.

در روایات شیطان رو به سگ تعلیمی در خانه ی خدا تشبیه نموده اند.

یعنی: اون رو گذاشته اند به درگاه دل (حرم الهی) تا نامحرم وارد حریم الهی نشود.

یعنی شیطان وقتی که میبینه طرف جز عباد مخلصین است، سر جاش می شینه؛ چون می دونه این با صاحب خانه آشناست.

کار شیطان این بود که پارس کنه (وسوسه) که ببینه ما با صاحب خونه آشنا هستیم یا نه؟

کار ما هم برای در امان ماندن این بود که به محض حمله ی سگ، صاحب خونه رو صدا بزنینم.

مدعی خواست که آید به تماشا گه راز دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد

هر که شد محرم دل در حرم یار بماند.

یکی از راه های در امان ماندن از وسوسه های شیطان، توسل شدید به ذکر شریف یا صاحب الزمان^۱ است که گویی این ذکر، وسوسه ها را از ذهن دور می کند.

وقتی گناه صورت می گیرد، این فرایند طی می شود:

اول توهم گناه، بعد تخیل آن، بعد تصور، تفکر، اراده، عزم، شوق و بعد فعل و اقدام به گناه.

ذکر جدی و با دغدغه خصوصاً ذکر و توسل به امام عصر (ارواحنا له الفداء) در مرحله ی توهم و خیال گناه سبب انصراف از گناه می شود.

با یادت ای بهشت من آتش دوزخ کجا؟

(يا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ) البقره/۱۶۸.

ای مردم از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید و پا جا پای شیطان نگذارید؛ چرا که او دشمن آشکار شماست.

توی کاشان یک باغ گل محمدی بود.

باغبانش هر روز صبح وقتی که صاحب باغ رو می دید، یک دسته گل زیبا تهیه می کرد و به محض ورود، به صاحب باغ می داد.

صاحب باغ هم جانانه آن را بو می کرد و لبخندی می زد و می گفت: دست شما درد نکنه.

با اینکه گلها مال باغ خودش بود، ولی کار باغبان جای تشکر داشت.

مثال ما و صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین هم همین طوره.

ما با توسل به ذکر خودشون و درود فرستادن به ایشان از گلستان یادشان به خودشون گلی هدیه می دیم که نتیجه ی بزرگی برای ما داره؛ یعنی لبخند رضایت.

مگر نه توفیق و ذکر و ثواب همگی از جانب صاحب باغ هستی است و صلوات فرستادن ما بهانه ای است برای لطف رسانی ایشان به ما؟!!

در صلوات ما درود به ایشان نمی فرستیم، بلکه از خدا می خواهیم که درود، فرستد. پس باز ما کاره ای نیستیم.

صلوات فرستادن ما مثل آب ریختن توی یک لیوان پر از آبه .

ایشان که احتیاجی ندارند، ولی وقتی که توی لیوان پر از آب آب می ریزیم، آب سر ریز و لبریز می شه. اتفاقی که می افته اینه که اون یه کم آب با لیوان آب قاطی می شه و بعد هم سرریز میشه و به خودمون بر می گرده.

یعنی ما با صلوات فرستادن کار کوچک خود را با ظرف ایشان آمیخته کرده ایم و چون ایشان هم نیازی ندارند، صد برابر و هزار برابر آن را به ما بر می گردانند.

یکی از زرنگی های مؤمنین اینه که کار به نیابت ائمه ی هدی انجام بدهند.

این مثال می تواند در جواب این سؤالات مطرح شود:

چرا ثواب صلوات اینقدر زیاده؟

ایشان که نیازی به صلوات ما ندارند؟

(إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) الاحزاب/۵۶.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بر محمد و آل محمد ده نوبت صلوات بفرستد، خدا و فرشتگان صد نوبت بر او صلوات می فرستند؛ و هر کس بر محمد و آل محمد صد نوبت صلوات بفرستد، خدا و فرشتگان هزار نوبت بر او صلوات می فرستند. آیا کلام خدا را نمی شنوی که می گوید: «اوست که بر شما صلوات می فرستد و فرشتگان او نیز بر شما صلوات می فرستند تا شما را از تاریکی ها به سوی نور بکشانند؛ و خداوند همیشه با مؤمنان مهربان است». قال أبو عبد الله علیه السلام مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَشْرًا، صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ مَائَةَ مَرَّةٍ ؛ وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَائَةَ مَرَّةٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ وَ مَلَائِكَتُهُ أَلْفًا. أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ يُخْرِجُكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا) الاحزاب / ٤٣ ؛ كافي، ج ٢، ص ٤٩٣ .

ص: ٣٣

مجلس عروسی توی تالار بزرگ شهر برگزار شد.

خدا رو شکر خیلی چیزها رو رعایت کرده بودند. مطرب نداشتن، خیلی هم شاد بود.

بعد از شام یه ناقله همه چیز رو خراب کرد.

رفته بود کلید برق اصلی تالار را قطع کرده بود.

عروس و داماد به هم ریختند. خانوادشون شرمند شدند.

یه مقدار از وسایل زیر دست و پا شکسته شد. خیلی از بچه های کوچیک توی مراسم وحشت زده شده بودند.

یک عده هم سوء ظن به دیگران پیدا کردند که کی بوده؟

فحش دادن به خرابکار هم شنیده می شد.

خاله ی داماد هم قلبش درد گرفت بُردنش بیمارستان و...

راستی فردای قیامت اگه خدا بخواد جزای کار این خرابکار رو بده، چطوری باهاش برخورد می کنه؟

فکر نمی کنم بگه شما یه برق خاموش کردن داشتی!

فکر می کنم بگه: علاوه بر خاموشی جلسه، آرامش عروس و داماد را به هم زدی؛ و شکستن اموال و وحشت بچه ها و شرمند شدن خانواده ی عروس و داماد جلوی مهمان ها و سوء ظن و فحش و... را هم برایش حساب می کنند. یعنی یک عمل را با آثارش حساب می کنند.

شاید خیلی وقت ها ما روی آثار گناه فکر نکنیم.

خداوند در سوره ی یاسین می فرماید: فردای قیامت، آنچه از پیش فرستادید و آثار آنها را برای شما می نویسیم.

(إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ) یس/۱۲.

توجه به عالم برزخ و باقیات الصالحات

در عالم برزخ پرونده ی اعمال ما باز است و صالحاتی که از ما باقی مانده و آثاری که دارند به ما خواهد رسید. همچنین است اگر عمل سیئه ای داشته باشیم.

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ) الزلزله/۷-۸.

پس هر کس همسنگ ذره ای نیکی کرده باشد آن را می بیند و هر کس همسنگ ذره ای بدی کرده باشد هم آن را می بیند.

ص: ۳۴

می گفت: محضر بزرگی رسیدیم. رو کرد به ما و فرمود: دوستان، من تا بحال گناه نکرده ام.

ما با تعجب تو ذهنمون گفتیم: مگه میشه توی این زمونه آدم گناه نکنه؟

گویی ذهنمون رو خونده باشه، نگاهی به ما کرد و گفت: دوستان من فکر گناه هم نمی کنم.

تعجب ما رو که دید بلافاصله پرسید: ببخشید تا بحال دستشویی رفتید؟

ما هم که از سؤالش تعجب کرده بودیم گفتیم: آره

بعد سؤال کرد: شده تا به حال بعد از قضای حاجت انگشت بزید روی سنگ دستشویی و یه مزه بگیرید؟

داشت حالمون بهم می خورد با حالت کراهت گفتیم: نه این چه سؤالی بود؟ دوباره سؤال کرد: نخوردید؟ گفتیم: نه

پرسید: به ذهنتون هم نرسیده که بخورید؟ گفتیم: نه

فرمود: من چون گند و نکبت و کثافت گناه رو می بینم هوس نمی کنم که انجام بدهم و یا بهش فکر کنم.

با در دست داشتن یک میوه ی گندیده و کثیف، از بچه ها سؤال بشه. کسی هوس می کنه این میوه ی گندیده رو بخورد؟ و بعد حکایت گفته شود.

اگر ما با قدرت فکر و توجه گند گناه را ببینیم، از اون حالمون بهم می خوره و میشه به آن هم فکر نکرد.

قرآن کریم برای نشان دادن نکبت غیبت نمودن آن را توصیف به مرده خواری نموده و حرام خواری را به خوردن آتش توصیف نموده است.

(.. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ) الحجرات/۱۲.

هیچ یک از شما از دیگری غیبت نکند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر خود را بخورد؟ همه ی شما از این کار کراهت دارید. تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است.

(إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا) النساء/۱۰.

کسانی که اموال یتیمان را از روی ظلم و ستم می خورند، تنها آتش است که می خورند و به زودی در شعله های آتش می سوزند.

بعضی وقت ها یک ویروس کل سیستم بدن را از کار می ندازه: مثل ویروس «hiv».

یا یک جرقه یک انبار کاه رو نابود می کنه، یا یک تیر می تونه جون یک نفر رو بگیره.

بعضی گناهان هم مثل یک ویروس و جرقه و تیر، می تونه اثر تخریبی روی ایمانمون داشته باشه.

بعضی از گناهان خودشون اُم الفسادند و نتیجه ی آنها انفجار گناه است.

توجه به گناهان کبیره.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «نگاه کردن، یکی از تیرهای زهر آلود ابلیس است.» «الَّتَطْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إبْلِيسَ مَسْمُومٌ»

منتخب میزان الحکمه، ص ۵۶۰، ح ۶۱۴۱.

ص: ۳۶

عکس العمل روح انسان در مقابل گناهان به شدت گناه و صیقلی روح بستگی دارد.

مثل میزان خسارت وارد شده بر سرنشین های یک ماشین که بستگی به سرعت تصادف و نوع ماشین و طرز برخوردش دارد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «همانا بنده گناهی می کند و به سبب آن از نماز شب محروم می شود؛ سرعت تأثیر کار بد در آدمی از سرعت تأثیر کارد در گوشت بیشتر است.»

قال الصادق: إِنَّ الرَّجُلَ يُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرَمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ؛ وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السُّكِينِ فِي اللَّحْمِ. الكافي، ج ۲، ص ۲۷۲ ح ۱۶.

ص: ۳۷

قلب انسان نسبت به دروغ، خیانت، تهمت و ... بی تفاوت نیست، همچنان که دست نسبت به آتش بی تفاوت نیست. حال اگر کسی دروغی گفت، قلب او در کنار آتش قرا گرفته است قلب از دروغ همان رنجی را می برد که دست از آتش می برد اگر بعد از گفتن دروغ نگران شد و جبران کرد، مثل این است که آتش در دست تو افتاده باشد و تو آن را پرتاب کرده باشی دست نمی سوزد و عَصَبِش باقی می ماند. اما اگر دست را مدتی روی آتش بگیری، این دست عصبش می میرد. مداومت بر دروغ، قلب را خفه و بی حس و بی تفاوت می کند؛ مثل دست که عصبش سوخته و مرده است و نسبت به سوختنی ها بی تفاوت می شود.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: اشكها نخشکيد مگر به سبب سختدلی و دلها سخت نشد مگر به سبب گناهان زیاد.

قال علی علیه السلام مَا جَفَّتِ الدَّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ مَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ. منتخب میزان الحکمه، ص ۲۲۲، ح ۲۴۲۵. - مثلها و پندها؛ آیت الله حائری شیرازی، ج ۲/۱۳.

۳۳- توپ سوراخ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس برای مردم کار کند، ثوابش هم با مردم است، و هر کس برای خدا کار کند، ثوابش با خداست. *

ذره ای از عمل ریا کار پذیرفته نمی شود و هیچ گونه اجر و پاداشتی به او داده نمی شود چون عمل، صلاحیت نداشته است.

اگر به اندازه ی سر سوزنی به واسطه ی ریا توپ عمل رو سوراخ کردیم، از کار آیی میفته.

با در دست داشتن یک توپ سوراخ می توان آن را سوژه قرار داد.

قال ابو عبدالله علیه السلام: كُلُّ رِيَاءٍ شِرْكٌ. إِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِلنَّاسِ، كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ؛ وَمَنْ عَمِلَ لِلَّهِ، كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۳، ح ۳.

ص: ۳۹

۳۴- اصلی و بدلی

ارزش کارهای ما به نیت آن بستگی دارد.

در اسکناس‌ها نخی است که نشانه‌ی اصالت اسکناس است.

اعمال هم اگر سر رشته‌ی اخلاص و نیت خالص را نداشته باشد، هیچ اصالت و اعتباری نخواهد داشت و معلوم می‌شود که تقلبی و بی‌ارزش است.

با نشان دادن یک اسکناس واقعی و کپی رنگی یک اسکناس می‌توان این مثال را توضیح داد.

سوژه‌های مرتبط: نیت خالص؛ کیفیت در عمل؛ عمل صالح و سالم؛ ریا تظاهر و خودنمایی.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم اعمال به نیت‌ها بستگی دارد و به هر کس همان می‌رسد که نیت آن را داشته است.

ص: ۴۰

اگر موشی داخل دیگ غذا بیفته، تمام غذا از قابلیت مصرف می افتد.

شرک و ریا هم همینطور. اگر ذره ای در عمل داخل شود، تمام عمل را فاسد می کند.

۳۶- ریشه ی اعمال

ریشه یک گُل اگه از گُلدون در بیاد و پیدا بشه،

گُل زودی پژمرده میشه و خشک میشه.

نیت اعمال هم هر چی پنهان تر باشه به نفع ماست.

هر چی نیت کارهامون را بتونیم پنهان تر کنیم، گُل اعمالمون شادابتر می مونه.

ریا ریشه ی کارهامون را خشک می کنه.

با کندن یک گُل از گُلدون و ظاهر کردن ریشه ی آن می توان مثال بالا را توضیح داد.

ص: ۴۲

۳۷- اگه با ارزش بود

اگه کسی توی بازار داد بزنه: آی مردم! آی مردم! من یک دانه ی الماس با ارزش توی دستم دارم، شاید خیلی ها به عقلش شک کنند: چرا که آدم عاقل هیچ وقت همچین کاری رو نمی کنه و چیزی که با ارزشه رو کتمان و پنهان می کنه.

اونایی که ریا و تظاهر در عمل دارند، معلومه که عملشون دارای ارزش و اعتبار نیست. اگر عملشون چیز با ارزشی بود، سعی می کردند اونو حفظش کنند.

(... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا) الكهف/۱۱۰.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: عملی که ذره ای در آن ریا باشد، پذیرفته نخواهد شد. تنبیه الخواطر، ص ۱۸۷.

کبر آدم را بی مزه می کند ندیده اید بعضی میوه ها وقتی بزرگ می شوند از مزه می افتند و دیگر مشتری ندارند و گاهی هم به جای این که به مصرف انسان درآیند، خوراک گاو و گوسفندها می شوند؟!!

(وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ) البقره/۳۴.

(یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید! همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید و از کافران شد .

امام باقر علیه السلام فرمودند: هیچ مقداری از تکبر به دل آدمی راه نمی یابد، مگر اینکه به همان اندازه، کم باشد یا زیاد، از خردش کاسته شود.

قال الباقر علیه السلام: ما دَخَلَ قَلْبَ امْرِئٍ شَيْءٌ مِنَ الْكِبْرِ إِلَّا نَقَصَ مِنْ عَقْلِهِ مِثْلُ مَا دَخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ قَلَّ ذَلِكَ أَوْ كَثُرَ. منتخب میزان الحکمه، ص ۴۸۰، ح ۵۳۸۶. - سلوک باران ، حجه الاسلام محمد رضا رنجبر.

راوی گوید: دیدم امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود: (و آنان که چون انفاق کنند، نه اسراف و زیاده روی می نمایند و نه سختگیری، بلکه در میان این دو حد اعتدالی دارند.) و سپس مشتی سنگریزه برداشت و آن را در مشتش نگه داشت و فرمود: این همان سختگیری و خستیدی است که خدای عزوجل در کتاب خود فرموده است. آن گاه مشتی دیگر برداشت و همه آنها را ریخت و فرمود: این اسراف است. پس مشتی دیگر برداشت و قسمتی از آن را ریخت و مقداری را نگه داشت و فرمود: این حد وسط است.

با اجرا نمودن این مثال می توان این حدیث را در ذهن مخاطبین ماندگار نمود.

تَلَمَّا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ الْآيَةَ (وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا) قَالَ: فَأَخَذَ قَبْضَهُ مِنْ حَصِيٍّ وَ قَبْضَهَا بِيَدِهِ فَقَالَ: هَذَا الْإِقْتَارُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ ثُمَّ قَبْضَ قَبْضَهُ أُخْرَى فَأَرْخَى كَفَّهُ كُلَّهَا ثُمَّ قَالَ: هَذَا الْإِسْرَافُ ثُمَّ أَخَذَ قَبْضَهُ أُخْرَى، فَأَرْخَى بَعْضَهَا وَ أَمْسَكَ بَعْضَهَا وَقَالَ: هَذَا الْقَوَامُ. الكافي، ج ۴، ص ۵۵.

گلاب را اگر با آب بیامیزی دیگر آن طعم و خاصیت و رایحه ی خود را از دست می دهد. حق همچون گلاب است. باید خالص باشد؛ و گر نه اگر با باطل درهم آمیزی دیگر آن بوی خوش خود را از دست می دهد و به مرور بازار آن کساد و بی مشتری می شود؛

از این رو قرآن کریم تأکید دارد: (وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ) البقره/۴۲.

حق را به باطل میامیزید و با آنکه حقیقت را می دانید، کتمانش مکنید.

سلوک باران، حجه الاسلام محمد رضا رنجبر.

۴۱- شیر بی مزه

شیر را اگر با آب درهم آمیزیم حجم آن زیاد خواهد شد، اما بی مزه می شود. دیگر نه آن رنگ را دارد و نه آن طعم و نه آن غلظت و سنگینی و نه آن ارزش را. عبادت هم همین طور است. وقتی مزه می دهد و ارزش دارد که خالص باشد و فقط به خاطر خدا باشد.

سلوک باران، حجه الاسلام محمد رضا رنجبر.

ص: ۴۷

عمل شایسته، ارزشمند است نه عمل فراوان؛ مانند چوبی مثبت کاری شده، که قیمتی چند برابر چند کامیون چوب دارد.

عارف بالله مرحوم دولابی (ره) می گفت:

در بازار چوب فروش ها، در هر حجره روزی چند کامیون چوب معامله می شود، ولی در پایان روز که سؤال کنی چقدر کاسبی کرده اید، می گویند مثلاً ده هزار تومان، امّا یک مثبت کار تگّه ی کوچکی از آن چوب ها را می گیرد و حسابی روی آن کار می کند و بر روی آن نقش می اندازد و همان تگّه چوب را صد هزار تومان یا بیشتر می فروشد. گاهی اوقات آن قدر نفیس می شود که نمی توان روی آن قیمت گذاشت. در اعمال عبادی هم زیاد عبادت کردن چندان ارزش ندارد، بلکه روی عمل حسابی کار کردن و آن را خوب از کار درآوردن و حقّ آن را ادا کردن نتیجه بخش است.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: دلت را خالص گردان، کار اندک تو را بس است.

قال رسول الله صلی الله علیه وآله: أخلص قلبك يكفيك القليل من العمل. منتخب میزان الحکمه، ص ۱۷۶، ح ۱۸۷۸. مصباح الهدی، مهدی طیب، ج ۱/۳۲۷.

اگر بچه های محله لامپ تیر برق توی کوچه را بشکنند و اداره ی برق لامپ را عوض کنه، ولی بچه ها دوباره بشکنند و برای بار سوم و چهارم و... یازدهم این قصه ادامه پیدا کنه،

به نظرمی رسه لامپ دوازدهم را دیگه نصب نکنند،

تا اهل کوچه عقلشون سر جاش بیاد و یک مدت توی تاریکی قرار بگیرند و قدر روشنایی را بدانند.

رشد عقلی و شکوفایی عقول یکی از فلسفه های غیبت امام زمان عج الله فرجه است .

توجه دادن به علل غیبت و وظایف شیعه در عصر انتظار.

وظایف فرهنگی و تلاش برای رشد عقلانیت .

با تعارف کردن یک خوردنی به یکی از اعضاء جلسه و اصرار به آن می توان توضیح داد.

الآن که رضا یک بیسکویت برداشت، اگه من الان بهش بگم: لطف کن از سرجای خودت بیا این طرف تر تا دوستم جای شما بشینه، بعیده که قاطعانه بگه: نه من نیام.

به نظر می رسه که بگه: باشه

چرا؟

چون بیسکویت برداشته.

یکی از راهایی که می شه رفتار دیگران را تغییر داد، اینه که به ایشان لطف و احسان کنیم.

نفوذ کلام ما خیلی وقت ها به اندازه ی لطف و احسانیه که به دیگران داریم.

توجه به روشهای جذب و نفوذ در شخصیت دیگران در فعالیتهای فرهنگی.

تواضع

همزبانی

احسان و خدمت به دیگران

رعایت هنرهای شنیداری و گفتاری.

قال علی: بِالْإِحْسَانِ تُمْلِكُ الْقُلُوبَ. منتخب میزان الحکمه، ص ۱۵۴، ح ۱۶۲۶.

با نیکی کردن، دل ها تصرف می شود.

به حسن خُلق توان کرد صید اهل نظر را

به دام و دانه نگیرند مرغ دانا را

ص: ۵۰

ترازو وسیله‌ی سنجش است طلا را با طلای ناب می‌سنجند و انسان را با زبانش.

تا مرد سخن نگفته باشد

عیب و هنرش نهفته باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: زبان وسیله‌ی سنجش انسان است.

ارزش هر انسانی با سخن گفتن و نوع حرف زدن او مشخص می‌شود. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللُّسَانُ مِيزَانُ الْإِنْسَانِ. منتخب میزان الحکمه، ص ۵۰۲، ح ۵۶۷۳.

سخن گوید، تا شناخته شوید؛ زیرا آدمی در زیر زبان خود پنهان است. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَكَلَّمُوا تُعَرَفُوا؛ فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. منتخب میزان الحکمه، ص ۵۰۲، ح ۵۶۷۵.

بعضی از افراد که هیچ‌گونه شناختی از آنها نداریم، تا حرف می‌زنند متوجه می‌شویم چه تفکر و چه شخصیتی دارند.

آدمی مخفی است در زیر زبان

این زبان پرده است بر درگاه جان مولوی

۴۶- متناسب نیاز

یک مادر در طول روز غذاهای مختلفی را می خوره و هضم می کنه و تبدیل به شیر می کنه و شیره ی جانش را با عاطفه و محبت در کام بچه می گذارد؛

چرا که تغذیه ی طفل باید با نیاز و ظرفیت و توان او متناسب باشد.

در تغذیه ی فکری هم باید اول خودمان مطلب را بفهمیم و هضم کنیم و متناسب با نیاز و فهم طرف مقابل، با بیانی سرشار از عاطفه مطالب را ارائه دهیم که بر جان و دل طرف بنشیند.

توجه به مخاطب شناسی:

زبان شناسی

نیاز شناسی

زمان شناسی در ارائه ی مطالب برای مخاطبان .

ص: ۵۲

۴۷- قابلیت هم می خواد

اگر زمین قابلیت داشته باشه، زحمت کشاورز به هدر نمی ره.

ولی اگه زمین شوره زار باشه یا قابلیت کشت نداشته باشه هم بذر به هدر رفته هم زحمت کشاورز.

(وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبِثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا... الأعراف/ ۵۸).

سرزمین پاکیزه، نیکو گیاهش به فرمان پروردگار برمی آید، اما بد طینت و [شوره زار]، جز گیاهان اندک و کم ثمر، از آن نمی روید،

با بیان این مثال می توان توجه داد به :

برای به ثمر رسیدن ، زمینه هم باید مساعد باشد

نقش عوامل وراثتی در شکل گیری شخصیت افراد

ص: ۵۳

اگر صدها کاریکاتور از ما بکشند، باز ما نیستیم.

چون یکی پاهاش بزرگه، یکی دستاش بلنده، یکی سرش خیلی عجیب و غریبه.

خیلی آدمها واقعاً کاریکاتوری رشد کرده اند.

انسان دارای ابعاد وجودی متنوع و مختلفی است. انسان رشد یافته متعادل و سعی می‌کند که هماهنگ رشد کند؛ یعنی: رشد فکری او همراه با رشد عاطفی او باشد؛ همین‌طور که اخلاق فردی را رعایت می‌کند، به اخلاق اجتماعی هم عنایت کند و...

یکی از محورهای اساسی در برخورد تربیتی، رشد دهی هماهنگ و همگون است.

توی اتاق خوابیده بودم، پنجره رو به کوچه باز بود.

با صدای عده ای که توی کوچه بودند بیدار شدم داشتند می گفتند:

استارت می زنی ولی روشن نمی شه.

معلومه باتریش خوابیده.

یا باید باتری به باتری کنیم، یا باید هُلش بدیم. شما بشین پشت فرمون، ما هُل می دیم تا روشن شه

با خودم گفتم. خیلی ها هستند چون باتری فکر و عقلشون خوابیده حرکت و عمل ندارند. باید بریم سراغشون و هُلشون بدیم تا روشن بشند.

در موقعیت هُل دادن یک ماشین می توان این مثال را توضیح داد. آیه های سبز؛ استاد شیخ علی صفایی (ره).

توجه به پاسخگویی به سؤالات و شبهات دیگران .

تمام تیم های ورزشی دارای مربی اند. در هر مسابقه اهمیت مربی را می توان از تغییر امتیازات تیم ها به خوبی فهمید. یک مربی خوب می تواند یک تیم در حال شکست را با برنامه ریزی و هدایت و راهنمایی به مرز پیروزی نزدیک کند و از خطر سقوط و شکست نجات دهد.

انسان هم در زندگی نیاز به مربی دارد. مربی حاذق و توانمندی که بتواند ما را از خطرات سقوط و مشکلات زندگی دور کند و یا با توصیه ها و سفارشات، ما را برای نجات از مشکلات راهنمایی کند.

۵۱- معادن های طلا و نقره

معادن طلا و نقره از با ارزش ترین معادن هستند.

کشف معادن طلا و نقره اهمیت زیادی دارد.

امام صادق علیه السلام در سخنی زیبا فرمودند: مردم معادن اند؛ همچون معادن های طلا و نقره. *

اینکه همه ی مردم معادن هستند، نگاه ما را به ایشان ارزشمند می کند،

ولی بعد از کشف معادن، استخراج آن مهم است.

بعضی از معادن با کندن یک متر بعضی با صد متر و بعضی با هزار متر قابل بهره برداریند.

به هر حال نگاه ما اگر به اطرافیان نگاه ارزشمندی باشه و بدانیم او یک معدن است، با کندو کاو در وجودشان می توان نکات مثبت آنها را کشف و از آن بهره گرفت، ولی نکات مثبت گاهی ظاهر است و گاهی نیاز به دقت و شناخت بیشتر دارد. کشف دیگران یک هنر است.

* قال الصادق علیه السلام: الناس معادنُ كمعادنِ الذهبِ و الفضةِ . روضه کافی / ۱۹۷.

این حدیث به نقل رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۰.

ص: ۵۷

نهار دعوت بودیم. به محض رسیدن، یک جعبه شیرینی خامه ای جلوی ما گذاشتند.

داداشم یک دونه برداشت، زیر لبی بهش گفتم: نخور نهار جوجه کبابه.

برگشت به من گفت: ای مخالف شیرینی خامه ای، ای مخالف رولت، ای مخالف شیرینی و...

بهش گفتم: جعبه شیرینی رو جلوت بذار و تا آخر همشو بخور.

مخالف شیرینی خوردنت نیستم، ولی اگه الان شیرینی خوردی، نمی تونی غذا خوب بخوری.

خدا هم مخالف لذت بردن ما نیست. اگه مخالف بود، اصلاً ما رو نمی آفرید و بهشت را برایمان آماده نمی کرد.

ولی اگه در مواردی ما رو نهی می کنه، میخواد بگه: اگه الان شیرینی گناه را که نیاز واقعی شما نیست چشیدیت، از نیاز واقعی و طبیعی باز می مانید و از لذت بی نهایت (بهشت) محروم می شوید.

تا حالا فکر کردید که اگر بهترین و مرغوب ترین چوب های دنیا را به جعبه چوب کبریت بکشید باز هم روشن نمی شه.

اما اگر یک چوب کبریت نامرغوب را بکشید، حتماً شعله ور خواهد شد و روشن می شه. چرا؟

چون چوب کبریت بر خلاف چوب های دیگه چیزی در سر داره.

کسانی که می خواهند جرقه بزنند و دیگران را به نور فهم و ایمان روشن کنند، باید چیزی در سر داشته باشند.

خدا برای شناخته شدن بسیار به بشر نزدیک است.

نگاه انسان به خودش برای شناخت خدا مثل نگاه انسان در آینه برای دیدن خودش است.

به این نزدیکی!

همین طور که انسان وقتی جلو آینه بایستد خودش را می بیند،

اگر به خودش نگاه کند، به خالق هستی بخش پی خواهد برد.

کسی که خودش را می بیند که عقل، شعور، عاطفه، احساس، غضب و هزاران صفت دیگر دارد، عقل به انسان حکم می کند که نمی شود خالق من این صفات را نداشته باشد؛ چرا که فاقد شیء مُعْطَى شیء نخواهد بود.

خدا انسان را :

دانه ی با استعداد خدایی شدن توصیف می کند. (وَ اللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا) نوح / ۱۷.

خلیفه و جانشین خود معرفی نموده (وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) البقره / ۳۰.

واز روح خودش در او دمیده (فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ) ص / ۷۲.

یعنی شما استعداد مثل الهی شدن را دارا هستید.

به خودت بنگر! همه ی صفات مرا غیر از خالقیت دارا هستی.

۵۵- پلیدی پلیدی میاره

توی کوچه ی ما سالیان ساله کنار یه درخت همه ی همسایه ها آشغالشونو اُونجا میذارند.

داشتم می رفتم دیدم یکی که اهل محل ما هم نبود، یک کیک دستش بود. و تا که رسید به اُونجا، پوست کیکشو اُونجا کنار درخت ریخت.

این نشون میده که پلیدی پلیدی میاره.

اونایی که بدیهاشون خیلی ظاهره، بدها و بدیها هم کنارشون جمع میشه.

اگر واقعاً صالح هم نیستیم، اول باید ظاهر الصلاح باشیم تا خوبی ها به طرف ما بیاید.

در کنار یک سطل زباله هم می توان این مثال را توضیح داد.

از آن روزی که عالم را نهادند

به هر کس هر چه لایق بود دادند

طبیات آمد برای طیبین

للخیثین الخیثات است هین

ص: ۶۱

چندی پیش تو نانوايي يه نانوا برايم تعريف مي كرد كه قرار است دستگاہ های پخت نان لواش را جمع کنند. پرسیدم برای چه؟ گفت: در این دستگاہ ها آتش مستقیم به نان می خورد. به همین خاطر كه وقتی از دستگاہ خارج می شود، اگر نسیمی به آن بخورد خشک شده و مثل شیشه می شکند و زیر دست و پا می رود؛ اما نان های دیگر مثل سنگک یا بربری اینطور نیستند؛ چون حرارت مستقیم به آنها نمی خورد. حال نصیحت هم مثل حرارت است، اگر کسی را مستقیم نصیحت کنیم، در نهایت او شکننده و خرد می شود، اما اگر نصیحت غیر مستقیم اتفاق بیفتد، او را نرم و ملایم خواهد ساخت.

سلوک باران، حجه الاسلام محمد رضا رنجبر.

توی حیاط مسجد بچه ها جمع شدند. یکی از بچه ها یه کم خار و خاشاک جمع کرده بود. معلوم بود میخواد آتیشش بزنه.

کبریت رو روشن کرد و زودی همه ی اونا آتیش گرفتند و خاکستر شدند.

یه کم از خاکستر را برداشت و بین انگشتاش فشار داد

و گفت: اینا دیگه چوب نیستند، خاکسترند. ماهیتشون عوض شد.

وقتی که آتش حسادت به جان ایمان ما افتاد، دیگه اونی که داریم ایمان نیست.

امام باقر علیه السلام فرمودند: حسادت ایمان را می سوزاند، همین طور که آتش چوب را. *

موقعه درست کردن آتیش میشه این مثال را بازگو کرد

*عن ابی جعفر علیه السلام: ... وَ إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۶ ح ۱.

۵۸- ایمان را فاسد می کند

انگشتش رو توی لیوان عسل زد و گذاشت دهنش.

بچه ها بفرمایید!

بعد دیدیم که یک استکان سرکه هم دستش بود و اون رو با لیوان عسل قاطی کرد.

بچه ها حالا بفرمایید!

خودش لیوان را بو کرد و گذاشت کنار و گفت: دیگه نمی شه مصرفش کرد؛ چون فاسد شد.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: حسادت ایمان را فاسد می کند همین طور که سرکه عسل را.

با تند و تیزی حسادت، شیرینی ایمان رو انسان نمی تونه بچشه.

ص: ۶۴

۵۹- ایمان را ذوب می کند

مقداری نمک در دست داشت و به بچه ها نشون داد. نمک ها را داخل لیوان آب ریخت.

بچه ها! دیدید که نمک حل شد و در آب ذوب شد و به اُون شکلی که اول بود دیگه نیست!؟

امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که به برادر دینی اش تهمت بزند، ایمان در قلب او آب شود؛ همچنان که نمک در آب حل می شود.

قال الصادق علیه السلام: إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ، إِنَّمَا الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ كَمَا يَنْمِثُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ. منتخب میزان الحکمه، ص ۹۶، ح ۱۰۰۶؛ الکافی، ج ۲/۳۶۱ ح ۱؛ وسایل الشیعه، ج ۸/۶۱۳.

ص: ۶۵

با شستشوی بدن روزی پنج مرتبه اُونم توی یک آب پاک و زلال معلومه که بدن پاک پاک پاک میشه.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر جلوی در خانه ی یکی از شما جوی آبی باشد و روزی پنج بار خود را در آن بشوید، آیا چرک و کثافتی بر تن او باقی می ماند؟ حکایت نماز نیز حکایت جوی آبی است که تمیز و پاکیزه می کند. هرگاه کسی نمازی بخواند، این نماز گناهایش را پاک می کند، مگر گناهی که او را از ایمان به در برد و بر آن مداومت ورزد.» *

(...وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ...) عنکبوت/۴۵.

*قال الصادق علیه السلام: لَوْ كَانَ عَلَى بَابِ أَحَدِكُمْ نَهْرٌ فَاغْتَسَلَ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ، هَلْ كَانَ يَبْقَى عَلَى جَسَدِهِ مِنَ الدَّرَنِ شَيْءٌ؟ إِنَّمَا مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ النَّهْرِ الَّذِي يُنْقِي كُلَّمَا صَلَى صَلَاةً، كَانَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِ إِلَّا ذَنْبٌ أَخْرَجَهُ مِنَ الْإِيمَانِ مُقِيمٌ عَلَيْهِ. البحار، ج ۸۲، ص ۲۳۶، ح ۶۶؛ منتخب میزان الحکمه، ص ۳۲۴، ح ۳۶۰۶.

فرض کنید پلیس جلو ماشینوشو گرفته:

لطف کنید گواهینامتون رو بدید!

بفرمایید! این کارت شناسایی منه که نشون میده استاد هستم.

آقا لطف کنید گواهینامتون رو بدید!

این کارت شناسایی منه که نشون میده مسول... هستم.

آقا لطف کنید گواهینامتون رو بدید!

این کارت شناسایی منه که نشون میده ...

آقا فقط گواهینامه ی راهنمایی و رانندگی را میخایم، چیز دیگه قبول نیست.

شاید سؤال بشه: چرا کسی که نماز نداره اجازه ی عبور از پل صراط را نخواهد داشت؟

آخه اونجا هم هرکسی که باشی و هر چه عنوان داشته باشی، گواهینامه ی عبور از صراط - یعنی نماز- را می خواهند.

با در دست داشتن گواهینامه ی رانندگی و نشان دادن آن به بچه ها و معرفی آن می توان این مثال را توضیح داد.

پل صراط پلی است که یک طرف آن در محشر و طرف دیگر آن در بهشت و زیر آن جهنم است. هر که از پل بگذرد خندان بود، ولی شرط عبور از این پل جواب دادن به سؤالاتی است که درباره ی تکالیف خواهد بود. یکی از این سؤالات مهم مسئله ی نماز است. لذا اگر در آنجا گواهی نماز را نداشته باشیم، عبورمان از پل ممکن نیست.

۶۲- غذای متناسب

توی اتاقی که ما بودیم، توی بیمارستان،

یکی غذاش جوجه کباب بود،

یکی سوپ،

یکی آب میوه،

و اون یکی هم سرم غذایی.

هرکدوم متناسب با وضعیتی که داشتند غذا بهشون می دادند.

نماز غذای روح است.

در هیچ حالتی ساقط نمیشه، بلکه متناسب با توان و ظرفیت و وضعیت ما واجب شده؛

لذا چون بیشتر از توان ما از ما نخواستند، ظلم هم نیست.

بیان دقیق احکام نماز در حالت های مختلف.

پاسخ به این سؤال که: آیا این ظلم نیست که نماز در هر حالتی واجب است و حتی شخص مریض هم باید آن را انجام دهد؟

(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا... البقره/۲۸۶).

ص: ۶۸

بر پایایی یک خیمه به ستون مرکزی و اصلی آن بستگی دارد.

تیرک خیمه اگر علم شود، خیمه هم بر پا می شود؛

اگر تیرک خیمه بشکند و بیفتد؛ نه میخی استوار می ماند و نه طنابی و سقف خیمه بر سر اهلس خراب خواهد شد.

نماز هم بسان تیرک و ستون خیمه ی دین است.

نشان اصالت دینداری، به بر پا نمودن مهم ترین شاخصه ی آن است.

قال الباقر علیه السلام : الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ. مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ؛ إِذَا ثَبَّتَ الْعَمُودَ يُثَبَّتِ الْأُوتَادُ وَالْأُطْنَابُ ؛ وَإِذَا مَالَ الْعَمُودَ وَانْكَسَرَ، لَمْ يَثْبُتْ وَتَدَّ وَ لَا طُنُبٌ. منتخب میزان الحکمه، ص ۳۲۴، ح ۳۵۹۶.

خداوند گاهی امکان درک معنویات را به انسان می دهد؛ مانند غذایی که فقط مزه اش را به بچه می چشانند.

گاهی شما مزه ی غذا را به بچه تان می چشانید. یک ذره آبگوشت توی دهانش می ریزید که مزه اش را بچشد. خدا هم گاهی مزه ی معنویت را به انسان می چشانند. مثلاً وقتی به زیارت امام هشتم علیه السلام می روی، روز اول، ساعت اول که وارد می شوی و صورت را روی ضریح یا کنار دیوارش می گذاری و منقلب می شوی، یک احساس نسیم بهشتی می کنی، اصلاً دنیا در نظرت کوچک می شود. این نه که از استحقاق شما است یا به مقامی رسیده اید که این معانی را درک می کنید، نه، خود آنها این مقام را تنزل داده اند و به شما چشانده اند تا بفهمید چه خبر است.

گاهی خدا مزه ی نماز را به انسان می چشانند؛ گاهی وضو را، گاهی روزه را، گاهی اکرام به فقیر را، احسان را. گاهی خدا جلوه ای از ارزش های اینها را به انسان می چشانند. مثل آن وقتی است که شما یک ذره نان را توی آبگوشت می زنید و توی دهن بچه ی شش ماهه می گذارید و به او می چشانید. خدا در طول زندگی، گاهی خوبی ها و مناجات ها را به انسان می چشانند.

مثل ها و پندها؛ آیت الله حائری شیرازی، ج ۲/۴۴.

۱. جبران عبادت

در طول بازی فوتبال اگر به هر دلیلی بازی متوقف شود، بعد از پایان وقت قانونی بازی با وقت اضافه جبران می شود. در اسلام نیز برخی از عبادات اگر در زمان خود انجام نشود یا در زمان خود کامل انجام نشود، باید در وقت های اضافه جبران شود. مانند روزه ی ماه مبارک رمضان که اگر در زمان خود انجام نشد، بعد از ماه رمضان قضا می شود. یا اگر در طول نماز برخی حواس پرتی ها و کاستی ها پیش آمد، بعد از پایان نماز با سجده ی سهو و نماز احتیاط و نمازهای مستحبی جبران می شود.

۲. تسویف

یکی از شیوه های تیم پیروز میدان برای حفظ پیروزی وقت کشی است. در میدان زندگی اجتماعی و دینی انسان هم یکی از شیوه های شیطان تسویف یا وقت کشی است. شیطان به انسان تلقین می نماید که برای کار خوب و توبه هیچ گاه دیر نیست. انسان را به امروز و فردا نمودن گرفتار می سازد تا عمر انسان در حالت گناه به سر آید و شیطان قهقهه ی مستانه سر دهد.

۳. آشتی

یکی از صحنه های زیبای فوتبال آشتی و روبروسی دو بازیکنی است که با یکدیگر برخورد فیزیکی داشته اند. شایسته است این صحنه ی زیبا در صحنه ی زندگی ما به وجود آید و بلافاصله پس از ایجاد اختلافات و تنش ها، از یکدیگر عذرخواهی نماییم .

۴. دفاع از وسط زمین

تیمی که دفاع را از وسط زمین شروع می نماید پیروز است. برخی از تیم ها دفاع را از هیجده قدم دروازه ی خود آغاز می نمایند که بسیار دیر و خطر گل خوردن فراوان است. برای آلوده نشدن به گناهان، تعلیم خداوند و پیامبران این است که دفاع را از وسط زمین شروع نماییم؛ یعنی به برخی از گناهان حتی نزدیک نشویم . در قرآن کریم برای جلوگیری از آلودگی جنسی می فرماید: مردان و زنان مؤمن مراقب چشم ها و نگاه های خود باشند .

(قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَرْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...) النور ۳۰-۳۱ .

توی حیاط مسجد با رفقا ایستاده بودیم.

آقای احمدی رو دیدیم. به طرف ما اُومد؛ خیلی گرم و صمیمی. مثل همیشه از ما حال و احوال پرسید.

عینک مرا برداشت. یک لکه که روی شیشه ی عینکم بود را نشونم داد و با لباسش پاکش کرد.

بعدم گفت: وقتی لکه روی عینک باشه زودی پاکش می کنیم، ولی اگه همین لکه روی لباس باشه، شاید آخر هفته پاکش کنیم؛ ولی اگه روی فرش خونتون باشه، آخر سال پاکش می کنید!

خدا هم با بندگانش همین طوری برخورد می کنه.

اونایی که مقرب ترند، اگه قلبشون لکه دار بشه، به واسطه ی بلا و تذکر زودی پاکشون می کنه.

ولی یک عده که دورترند دیرتر؛

و اونایی که هیچ ارتباطی ندارند و از خدا بریده اند شاید اصلاً توی این دنیا کارشون نداشته باشه و آخر کار، به حسابشون برسه!

با طرح این سؤال که «چرا بعضی که گنهکار تر هستند، کمتر مشکل توی زندگیشون هست؟»، می توان مثال بالا را توضیح داد.

طلا فروش ها هر وقت که بخواهند سکه ی قلبی را از غیر قلبی مشخص کنند، سکه ها را به زمین می زنند و از صدای اونها متوجه اصل بودنشون میشند.

مواقعی هم خدا با ما این طور برخورد میکنه.

سختی و بلا- و گرفتاری میاره تا جنس حرف هامون و نوع برخوردمون مشخص بشه. خیلی وقتها ذات آدم ها تو سختی ها مشخص میشه.

(أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ) العنكبوت/۲.

«آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: ایمان آوردیم، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟!»

توجه به اینکه خود مشکلات وسیله ی آزمودن ماست و باعث رشد ما می گردد.

در مسابقه ی موتورهای پرشی، کسی برنده می شه که با سرعت زیاد با مانع خوب برخورد کنه.

هر چه سرعت بیشتر و شیب مانع تندتر، قدرت پرش هم بالاتر خواهد بود.

در آخرالزمان هم برخورد صحیح با موانع، عامل پرش و اوج گرفتن خواهد بود.

در پاسخ به این سؤال که آیا در آخرالزمان با توجه به این همه موانع، سیر و سلوک و رشد معنوی ممکن است؟

یکی از علت هایی که اصحاب امام حسین علیه السلام به مقامی رسیدند که کسی نمی تواند به آن مقام برسد، این بود که با سخت ترین موانع برخورد کردند و سرعت آنها و برخورد آنها هم دقیق بود؛ لذا بیشتر اوج گرفتند.

خدای کریم در درون ما مانع نفس را گذاشته در بیرون هم شیطان و طاغوتها را گذاشته؛ پس خود مانع می تواند عامل پرش و اوج گیری باشد. مهم اینه که برخورد ما با موانع صحیح صورت گیرد.

صحنه ی جالب و دیدنی شد خونه ی مادر بزرگ.

داشتن قلیون می کشیدند که زغال از روی قلیون افتاد رو فرش.

داد همه در اُمد.

دایی حمید هنرنمایی شو نشون داد.

سریعاً زغال رو با دست ور داشت و با سرعت نزدیک به نور توی دستش بالا و پائین می کرد که نه دستش بسوزه و نه زغال بیفته. به نظر می رسید که خیلی سخته.

در روایت آمده است که: در آخرالزمان حفظ دین مثل آتیش در دست نگه داشتن است.

توجه به حفظ و سلامت دین در عصر حاضر.

توجه به معاهده، مراقبه و محاسبه.

و توجه به وظایف الشیعه در عصر غیبت.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِعَدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِشَوْكِ الْقَتَادِ بِيَدِهِ... منتخب میزان الحکمه، ص ۵۴، ح ۵۵۶.

همانا صاحب این امر را غیبتی است که نگه داشتن دین در آن زمان همچون کندن خارِ گون از بالا به پایین و با دست است
....

در یک موقعیت اردویی؛ بچه ها، آیا کسی می تواند این بوته خار را با دست بکند؟ و بعد حدیث بالا را توضیح داد.

انسان در این عالم دائماً در حال آزمایش به سر می برد با این تفاوت که نوع آزمایش ها فرق می کند

نوع سؤال فرق می کند و گرنه سؤال، سؤال امتحانی است.

معلم در امتحان یکی را از اول کتاب امتحان می کند، یکی را از وسط کتاب و یکی را از آخر کتاب.

اگر معلم بداند که شاگرد کجای کتاب را خوانده و کجا را نخوانده، از آنجایی سؤال می کند که نخوانده است.

خدا هم در امتحانات چنین سؤالاتی را خواهد داشت.

خداوند بندگان خود را امتحان می کند به چیزی که نسبت به اصل آن جاهلند. تا معلوم شود که چه مقدار در برابر خداوند تسلیم هستیم.

خداوند وقتی ملائکه را امر کرد به آدم سجده کنند، نسبت به اصل و حقیقت آدم جاهل بودند، اینکه بعضی می گویند ما تا ندانیم چرا باید وضو بگیریم، یا چرا این گونه وضو بگیریم... خوب اگر بدانند که دیگر از علم خود اطاعت کرده اند نه از خدا! مطیع معلومات خود گردیده اند نه مطیع فرمان خدا!

مثل ها و پندها، آیت الله حائری شیرازی، ج ۳ / ۹۵.

۷۱- به امتحان بود

وقتی انسان وارد صحرای قیامت می شود، تازه می فهمد که زندگی اش در دنیا اصلاً زندگی نبوده و فقط جلسه ی امتحان بوده است. درست مثل یک دانشجو که چند لحظه بیشتر امتحان ندارد، ولی آن امتحان، سرنوشت او را در همه ی عمر تعیین می کند.

تمثیلات و تشبیهات در آثار شهید مطهری، ص ۲۰۱.

ص: ۷۷

دنیا برای بشر نسبت به آخرت مرحله ی تهیه و تکمیل و آمادگی است.

دنیا نسبت به آخرت نظیر دوره ی مدرسه و دانشگاه برای یک جوان است.

دنیا حقیقتاً مدرسه و دارالتربیه است. قرآن کریم می فرماید:

(الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ) الملك/۲.

خدا مرگ و زندگی را آفریده تا ما را بیازماید که کدام یک از شما درستکارترید.

یعنی دنیا که تلفیقی و ترکیبی از موت و حیات است، آزمایشگاه نیکوکاری بشر است.

باید توجه داشت که «آزمایش» خدا، برای نمایان ساختن استعدادها و قابلیت ها و رشد دادن و تکامل دادن آنهاست. این آزمایش برای پرده برداشتن از رازهای موجود نیست، آزمایش الهی صفات انسانی را از نهان گاه قوه و استعداد به صفحه فعلیت و کمال بیرون می آورد. آزمایش خدا تعیین وزن نیست، افزایش دادن وزن است.

آری، کسی که دنیا را «مدرسه» و «دارالتکمیل» بداند و به حیات و سرای دیگر ایمان داشته باشد، دیگر زبان اعتراض نمی گشاید که: چرا ما را به دنیا آورده اند؟ یا اکنون که آورده اند نباید بمیریم؟! چنان که خردمندانه نیست که کسی بگوید: طفل یا نباید به مدرسه فرستاده شود، و یا اگر به مدرسه رفت هیچ وقت نباید مدرسه را ترک گوید.

تمثیلات و تشبیهات در آثار شهید مطهری، ص ۱۸۴؛ عدل الهی، ص ۱۸۹-۱۹۳.

با این توضیح معلوم و روشن می گردد که آیه ی یاد شده مبین همین حقیقت است که دنیا پرورش گاه استعدادها و دارالتربیه ی انسان هاست.

چند روزی بود که نبودش سراغش را گرفتم، گفتند: توی خونه افتاده. وقتی دیدمش، پاشو بسته بود و زمین گیر شده بود. می گفت: چند وقت پیش پام روی یه تکه شیشه رفت و جدی نگرفتم، اما از دیروز نمی تونم راه برم. مثل اینکه عفونت کرده.

رذایل اخلاقی هم همین طورند. هر چه دیرتر به آنها پردازیم و از اصلاح آنها غافل باشیم، عمق عفونت و وخامتشان بیشتر خواهد شد و شاید زمین گیرمان کنند. در این حال، هم آثارشان عمیق تر می شود و هم اصلاح و درمانشان مشکل تراست رذایل اخلاقی تا وخیم و بدخیم نشده باید به فکر درمانشان افتاد. زخم کهنه درمانش مشکل می شود.

خیلی از مریض ها که حالشون به وخامت افتاده، با این جمله ی دکترها مواجه شده اند: «اگه زودتر متوجه می شدید و یا زوتر می آمدید، می تونستیم برات کاری کنیم».

توجه به شبهات اعتقادی و پیگیری برای رفع آن و رسیدن به جواب.

بعض وقت ها یه گیر و شبهه آدم رو زمین گیر می کنه.

۷۴- با ماشین رنو همیشه

جلوی در مسجد بعد از نماز با رفقا مشغول صحبت بودیم.

یک ماشین کامیون مشکل فنی براش پیش آمده بود.

می گفت: میل گاردان بریده، فقط باید تا میدون یدکش کنم. تعمیر گاه اونجا هست.

خیلی وایساده بود ما هم دوست داشتیم کمکش کنیم.

بچه ها به شوخی گفتند: بیا هولش بدیم.

- نمی شه.

یکی از بچه ها گفت: یدکش کنیم به ماشین رنو آقا رضا.

همه خندیدند.

مشکل این بود که یک ماشین بزرگ تر از خودش رو می خواست که یدکش کنه.

با خودم گفتم: اگه قرار باشه توی این دنیا دست کسی را بگیریم و یدک کنیم، باید خودمون قوی تر باشیم.

ص: ۸۰

بهش گفتم: یک کاسه شیر برام بیار.

اما متأسفانه رفته بود شیر را ریخته بود داخل کاسه ی کثیفی که توی آشپزخونه بود.

شیر خوشمزه همش خراب شد دیگه نمی شد بخوری.

وقتی که ظرف دلمون کثیف باشه، مطالب پاک و طیب هم که توش بریزیم، اونها هم قابل استفاده نخواهند بود!

اول باید ظرف دلمون را پاک کنیم.

(فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا...) البقره/۱۰.

در زمین شوره زار اگر دانه و آب هم باشه بازم حاصل به دست نمیداد.

دلی که پراز کینه است نمی تونه مرکز جلب رحمت الهی باشه .

تا به حال ندیدید کسی با لباس راحتی [پیژامه] وارد اداره بشه و بره پشت میزش بشینه. چرا؟

چون لباس خونگی انسان را محدود می‌کنه محدوده‌ی بیرون رفتن با این لباس فقط تا جلوی در خونه است.

در قرآن تقوا را به لباس تشبیه کرده‌اند. هر کس که این لباس را داره، همه جا نمیره؛ همه چیز نمی‌بیند؛ همه چیز نمی‌خورد و...

توضیح و توجه به معنای تقوا

(یا بنی آدمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذِئْبٌ وَ خَيْرٌ ذِئْبِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ) الأعراف/۲۶.

«ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را بپوشاند و مایه‌ی زینت شماست، [اما] لباس پرهیزکاری بهتر است. این از آیات خداست؛ باشد که پند بگیرند.»

آیت الله بهجت (ره): تقوا یعنی از چشم و گوش و زبان خودت بترسی.

ریشه‌ی کلمه تقوا «وقی» می‌باشد: یعنی حرکت با احتیاط (قدم برداشتن در بیابان با پای برهنه بر روی خار و خاشاک، که مطمئناً انسان با احتیاط راه می‌رود).

شخصی را دیدم که یخ می فروخت و فریاد می زد:

مردم رحم کنید به کسی که سرمایه اش ذوب می شود.

پیش خودم به یاد این آیه افتادم:

(وَ الْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) العصر/ ۱-۲.

«سوگند به عصر که انسان در زیانکاری و سرمایه ی عمرش رو به تباهی است».

سرمایه ی عمر ما هم در حال ذوب شدن است. باید به خود رحم کنیم .

توجه به ارزش عمر و زمان

آنچه ندارد عوض ای هوشیار

عمر عزیز است، غنیمت شمار

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّهَا النَّاسُ، الْآنَ الْآنَ مِنَ الْقَبْلِ النَّدَمِ، وَ مِنْ قَبْلِ «أَنْ تَقُولَ نَفْسُ يَا حَسْبَ رَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَ
إِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ

ای مردم هم اینک هم اینک زمان را دریابید پیش از آن که هر کس بگوید: ای دریغا! که در کار خدا کوتاهی کردم.

منتخب میزان الحکمه، ص ۴۰۶، ح ۴۵۹۵.

کارمند بانک اگه یه عالمه پول به حساب بانک واریز بشه و تحویل بگیره، خوشحال نمی شه. اگر پرداخت هم کنه ناراحت نمی شه؛

چون خودشو فقط یکه واسطه می دونه، یکه امانتدار. امانت می گیره و از امانت محافظت می کنه و بعد هم امانت رو پس می ده.

اگر ما هم خودمون رو مالک ندونیم و نعمت هایی که از طرف خدا به ما می رسه رو امانت الهی بدونیم، موقع دادن و گرفتنش خوشحال یا غمگین نخواهیم شد.

(لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ... الحديد/۲۳).

«...برای آنچه از شما فوت شده تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دل بسته و شادمان نباشید...»

نان سنگک تا خمیر و خام است به سنگ ها حتی به ریز ترین آنها می چسبد

اما همین که پخته شد، خیلی راحت از سنگ جدا می شود.

انسان هم تا خام است دلبسته و وابسته است، ولی همین که پخته شد، به راحتی از چیزهایی که به آنها دل بسته است دل می کند.

در حین کردن سنگ های نان سنگک توضیح این مثال جالب خواهد بود.

خام بدم پخته شدم سوختم

تا غم عشق تو پیامو ختم

راستی چه حسی دارید اگر یک تخته سنگ بزرگ را بالای سر شما نگه دارند.

شاید بگید: تو رو خدا مواظب باش! بابا خطر داره! داغونمون می کنی!

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مؤمن گناهان را چون تخته سنگ بزرگی می بیند بالای سرش، که می ترسد به روی او بیفتد؛ و کافر گناهان خویش را همچون مگسی می بیند که از جلو بینی اش رد شود. *

ترس از گناه و عواقب آن و بدبختی هایی که به سر ما در دنیا و آخرت میارند از نشانه های ایمانه

و بی اهمیتی نسبت به ارتکاب گناه معلوم میشه که روح ایمان در درونمون جا نگرفته است .

توجه به عواقب گناه و ترس از آثار گناه .

*قال رسول الله صلی الله علیه و آله : إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ تَحْتَ صَيْخَرِهِ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ ؛ وَالْكَافِرَ يَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ ذُبَابٌ مَرَّ عَلَى أَنْفِهِ . منتخب میزان الحکمه، ص ۲۲۰، ح ۲۴۱۰.

۸۱- گیرنده تنظیم نیست

داشتم رادیو گوش می دادم. مجری محترم گفت:

شنوندگان عزیز، اگر امواج ما را خوب دریافت نمی کنید، مشکل از فرستنده نیست، لطفاً گیرنده هاتون رو تنظیم کنید!

با خودم گفتم: راست میگه. ما تا مشکل در امواجمون پیش میاد، شک می کنیم به فرستنده،

ولی انگار عیب از گیرندگی خودمونه که تنظیم نیست.

(ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) البقره/۲.

ص: ۸۷

بعضی وزنه ی سنگین را نمی توانند بلند کنند.

بعضی قدری بلند می کنند،

بعضی تا نزدیک سینه بلند می کنند.

بعضی بالای سر می برند ولی تاب نمی آورند.

بعضی بالای سر می برند و نگه می دارند که چراغ ها روشن می شود.

بُرد در استقامت است.

(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ) فصلت/ ۳۰.

مولوی مثلی می آورد درباره ی اینکه هر چه انسان بزرگ تر می شود، صفات او قوی تر و ریشه دار تر می گردد. می گوید: مردی خاری را در معبر مردم کاشت و مردم از این بوته خار در رنج بودند. او قول داد که سال دیگر آن را بکند و سال دیگر نیز کار را به سال بعد موکول کرد و سال های بعد نیز به همین ترتیب عمل کرد. از طرفی درخت سال به سال ریشه دارتر می شد؛ یعنی میان رشد درخت و قوت خارکن نسبت معکوس برقرار بود. حالات انسان نیز مانند خاربن و خارکن است روز به روز صفات در انسان ریشه های عمیق تری پیدا می کند و اراده ی انسان را ضعیف تر می کند. قدرت یک جوان در اصلاح نفس خود، از یک پیر بیشتر است.

خاربن در قوت و برخاستن

خارکن در سستی و در کاستن

سعدی نیز می گوید:

هر که در خردیش ادب نکنند

در بزرگی فلاح از او برخاست

تمثیلات و تشبیهات در آثار شهید مطهری، ص ۲۱۲، پاورقی، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۷۹.

در بازی فوتبال از سه موقعیت حساس بیشتر برای وارد نمودن توپ به دروازه حریف استفاده می نمایند:

۱- موقعیت کرنر. ۲- موقعیت پنالتی. ۳- موقعیت ضربه های ایستگاهی، که بر اثر خطای حریف به دست تیم مقابل می آید.

در زندگی ما انسان ها نیز سه لحظه و موقعیت حساس است که شیطان توپ گناه را وارد دروازه دل ما می نماید. این سه موقعیت کدامند؟

«پس از نفرین حضرت نوح (ع) و هلاکت گنهکاران، شیطان به خدمت حضرت نوح آمد و گفت: ای نوح تو برگردن من حقی داری به عنوان تشکر در مقابل این حق می خواهم خدمتی به تو بنمایم!»

حضرت نوح خطاب به شیطان فرمودند: «برای من بسیار ناگوار و بد است که به گردن تو حقی داشته باشم حال بگو بدانم آن حق چیست؟»

«ابلیس گفت: این که تو نفرین نمودی (...وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا) نوح/۲۶.

خدایا! ریشه ی کفار را از زمین برکن و آنان را محو نما.» اکنون گناه کاران غرق شده اند و من شیطان مدّتی در مرخصی و استراحت به سر می برم. و می توانم برای فریب آیندگان خوب برنامه ریزی نمایم!

حضرت نوح فرمودند: حال ای شیطان چنین حقی را چگونه می توانی جبران نمایی.

شیطان گفت: ای نوح بدان که من در سه موقعیت بسیار به انسان نزدیک هستم و می توانم با استفاده صحیح از این سه موقعیت انسان ها را گمراه نمایم. ۱- عصبانیت. ۲- قضاوت. ۳- خلوت با زن نامحرم می کوشم با سایر هم تیمهای خودم از این سه موقعیت استفاده نمایم و توپ گناه را وارد دروازه دل و نامه ی اعمال انسان ها نمایم.

پس بیایم و همان گونه که دروازه بان و بازیکنان در مقابل تیم مقابل برای دفع این سه موقعیت آماده می شوند و دیواره دفاعی تشکیل می دهند ما هم به ویژه در این سه موقعیت دیواره دفاعی محکمی از تقوا و توسل و توکل در مقابل شیطان تشکیل دهیم.

این رهنمود قرآن کریم است که خداوند می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ) الأعراف/ ۲۰۱.

« مهاجمان شیطان وقتی به دروازه دل متقین نزدیک می شوند مدافعان تقوا در مقابل آنان سد دفاعی تشکیل می دهند.»

اگر کسی بخواهد یک ورزشکار خوب شود باید سالها تلاش کند تا بتواند در رشته خود به موفقیت برسد.

تقویت روح، قوی شدن اراده و مبارزه با نفس و رذایل اخلاقی و رسیدن به تقوا و روحیه ی خود کنترلی و کنترل درونی نیز نیازمند تمرین و تکرار و تلاش است. گاهی اوقات برای از بین بردن یک صفت اخلاقی سال ها تلاش لازم است.

گاه سنگی به گوشه ی شیشه ی خودرویی می خورد و همان نقطه را می شکند،

اما با گذشت زمان، شکستگی پیش رفته تا جایی که تمام سطح شیشه را می پوشاند،

مگر آن که گرداگرد آن نقطه ی شکسته، خطی کشیده شود تا شکستگی پیشروی نکند.

بیماری های روحی نیز همین گونه اند؛ اگر به دل آدمی راه یافتند، باید سریع با توبه و استغفار بر آنها خطی کشیده شود، و گر نه پیوسته بیشتر و بیشتر خواهند شد.

سلوک باران، حجه الاسلام محمد رضا رنجبر.

۸۷- همین که جوش زد

دوستان واقعی با آزموده شدن در موقعیت های سخت، دوستی و رفاقتشون معلوم می شه؛

مثل زمان عصبانیت. اگر در زمانی که جوشی و عصبی شدند تونستند برخورد مناسبی با ما داشته باشند، معلومه که دوستی اونا واقعیه.

برای فهمیدن سالم بودن شیر هم همین کار رو می کنیم.

توی ظرف می ریزیم؛ کمی که جوشید و جوش زد، معلوم میشه فاسده یا نه.

رفتارهای ظاهری ما ریشه در شاکله و ساختار روانی و شخصیتی ما دارد.

(قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ... الاسراء/ ۸۴).

ص: ۹۳

مسابقه ی طناب کشی را حتماً دیده اید

هرکدام یک سر طناب را محکم در دست می گیرند و می کشند. راستی اگر یکی از دو طرف در حالی که دیگری با تمام قدرت داره طناب را می کشه طناب رو رها کنه چی می شه؟

اگر ما هم توی دعواها یک طرف طناب دعوا رو رها کنیم، اینجاست که بی هیچ زوری حریفمون را به زمین زدیم.

مذمت مجادله و مشاجره های بی فایده.

پرهیز از جرّ و بحث هایی که فقط قصد خود نمایی در آن است، نه تفهیم و کسب آگاهی.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: هیچ بنده ای کاملاً به حقیقت ایمان نرسد، مگر آن گاه که مجادله را رها کند، هر چند حقّ با او باشد.

قال رسول الله صلی الله علیه وآله: «لا- یستکملُ عبْدٌ حَقِيقَةَ الإیمانِ حَتّٰی یَدَعَ المِراءَ وَ إِنْ کَانَ مُحِقّاً». منتخب میزان الحکمه، ص ۵۱۲، ح ۵۷۸۹.

امام صادق علیه السلام فرمودند: از فروتنی است که (آدمی) ... مجادله را رها کند، هر چند حقّ با او باشد.

قال الصادق علیه السلام: «إِنَّ مِنَ التَّواضُّعِ... أَنْ یَتْرُکَ المِراءَ وَ إِنْ کَانَ مُحِقّاً». منتخب میزان الحکمه، ص ۵۱۲، ح ۵۷۹۴.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است.*

کرد مردی از سخندانی سؤال حق و باطل چیست ای نیکو مقال

گوش را بگیرفت و گفت این باطل است چشم حق است و یقینش حاصل است مولوی

با گذاشتن ۴ انگشت میان گوش و چشم می توان این حدیث را توضیح داد.

*قال علی علیه السلام: لیسَ بَیْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ إِلَّا أَرْبَعُ أَصَابِعٍ. نهج البلاغه؛ خطبه/۱۴۱.

برای یافتن عیوب اخلاقی خود باید آن را با اخلاق نورانی نبی اکرم صلی الله علیه وآله مقایسه کنیم.

وقتی بزاها بخواهند که زدگی و یا پوسیدگی پارچه ای را بررسی کنند، آن را در برابر نور قرار می دهند اگر ما بخواهیم بفهمیم که اخلاق و رفتارمان مشکلی دارد یا نه، باید آن را با اخلاق نورانی پیامبر صلی الله علیه وآله مقایسه کنیم.

یکرنگی و استوار بودن در همه حال؛ مانند حرف الف که همواره به یک حال است.

پدرم با همه کس می نشست، اما مرا می گفت: با همه کس نشینم! و نمی دانستم چرا؟!!

روزی به نخلی پشت داده و نشسته و در حال خود بود دیدم که با انگشت خویش بر خاک می نویسد! پرسیدم: چیست؟!!

گفت: سخن نخستین است که نخستین روز مرا در مکتب خانه آموختند! آری، الف بود! و می گفت: جانم فدای الف! الف همواره به یک حال است و استوار؛ چه با خود باشد، و چه با دیگر حرف ها!

راست می گفت. هر حرف را که دیدم، وقتی که با حرفی دیگر می نشست خودش را می باخت و خودش را از دست می داد! و وقتی که گفت: دوست دارم بمانند الف باشی، دانستم که چرا همیشه ام می گفت: با همه کس منشین! و دانستم که چرا خود می نشست!

چون الف کز اتصال حرف باشد مستقیم

بر نیارد کثرتِ مردم ز یکتایی تو را

دامن دامن حکمت، حجه الاسلام رنجبر.

۹۲- بطری در بسته

اگر یک بطری در بسته رو داخل اقیانوس بندازیم، قطره ای از آب دریا داخل آن نخواهد شد.

مشکل از آب است یا بطری؟

تعصب، احساسی شدن، تعقل نکردن از عواملی هستند که راه هدایت را مسدود می کند.

مربی می تواند با انداختن یک بطری در بسته به داخل حوض آب و یا قرار دادن کاسه واژگون به زیر شیر آب مثال را توضیح دهد.

ص: ۹۸

یک لیوان اگر پر از آب نباشد، پر از هوا هست.

ما هم اگر عشق به خدا در درون نداشته باشیم، عشق به خود در اون جا میگیره.

توجه به عامل سعادت که عشق به خداست و عامل شقاوت که حب نفس است.

یه کوزه رو اگر داخل آب کنید، تا وقتی که هوا داخل آن باشه آب به داخل راه پیدا نمی کنه،

ولی همین که قلوب قلوب هوا بیرون آمد، آب جای هوا رو می گیره.

قلب انسان هم تا وقتی که پر از هوی و هوس باشه، عطیه های الهی به داخل اون وارد نمی شه.

توجه به تخلیه و تزکیه و بعد تجلیه.

(لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ) الواقعة/۷۹.

ص: ۱۰۰

باند فرودگاه باید خیلی شرایط رو داشته باشه که هواپیما بتونه سالم فرود بیاد:

پهنای باند، طول باند، هموار بودن و چاله چوله نداشتن اون خیلی مهمه.

قلب ما هم قراره که فرودگاه هدایای الهی باشه. در دل پر کینه و کم ظرفیت و مشکل دار، هواپیمای لطف و عنایت فرود نمیاد.

ص: ۱۰۱

۹۶- کاسه ی وارونه

رحمت الهی پیوسته بر سر خلق می بارد.

ولی کسی که کاسه ی وجودش را وارونه در مقابل رحمت الهی قرار دهد؛ قطره ای هم نصیبش نخواهد شد.

راه صحیح بهره گیری از برکات الهی خواستن واقعی است.

کسی که دعا، عمل صالح، توسل، تضرع و آداب جلب رحمت را به کار نمی گیرد، کاسه ی وجودش را وارونه نموده است.

ص: ۱۰۲

۹۷- حفاظت از کشتی جامعه

توی کشتی کسی نمی تونه زیر پای خودش رو سوراخ کنه به بهانه ی اینکه

مگه چیه؟ زیر پای خودمه. قطعاً اگه این کار رو بکنه، با برخورد همه ی سرنشین ها مواجه می شه.

توی کشتی جامعه هم بعضی ها با انجام دادن گناهان اجتماعی باعث غرق شدن همه ی افراد جامعه میشند که باید به آنها تذکر داد.

ص: ۱۰۳

۹۸- جلوی مسمومیت را باید گرفت

نمیشه به اسم آزادی، اجازه داد هر فکر و ایده‌ی فاسدی در جامعه ترویج بشه، و توجیه هم این باشه که مردم عقل دارند برند تحقیق کنند.

این مثل اینه که اجازه بدیم منبع آب شُرب شهری را مسموم کنند. بعد هم بگند: خوب مردم لطف کنند قبل از خوردن آب، آزمایش و تحقیق کنند.

این در حالیه که همه قدرت تشخیص ندارند.

اونهایی که ضعیف ترند بیشتر آسیب می بینند.

ص: ۱۰۴

۹۹- لباس خاکی، لباس دوده ای

اگه لباسمون خاکی بشه، باید با ضربه ی محکم دست اونو پاک و بر طرف کنیم.

اما اگه دوده روی لباس بشینه، باید با فوت اونو بر طرف کرد.

برخورد ما هم در نهی از منکر با دیگران نباید یکنواخت باشه.

با هر کس باید برخورد و شیوه مناسب خودش رو داشت.

(ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ
بِالْمُهْتَدِينَ) النحل/ ۱۲۵.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

ناراحتی قلبی

اظهار ناراحتی در چهره

تذکر لسانی

جلوگیری از منکر

تمثیلات، حجه الاسلام محسن قرائتی.

ص: ۱۰۵

۱۰۰- نگذاشت گریه جوجه را بخورد

یکی از بچه ها جوجه ای داشت. یک روز گریه ای می خواست این جوجه را بگیرد. یک نفر رسید و مانع این کار شد و نگذاشت گریه جوجه را بخورد. از آن بچه سؤال کردم: چقدر خوشحال شدی که این آقا نگذاشت جوجه ی تو را گریه بگیرد؟ گفت: خیلی. بعد به او گفتم: شیطان مثل گریه است و انسان ها هم مثل آن جوجه ی تو هستند، و افرادی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند مثل آن آقائند که نگذاشت گریه جوجه ی تو را بگیرد. خدا هم صاحب انسان هاست. تو وقتی امر به معروف و نهی از منکر کنی و یک نفر را از گناهی نجات بدهی، پیش خدا ارزشی را پیدا می کنی که آن کسی که آن جوجه را نجات داد پیش تو پیدا کرده است.

مثل ها و پندها، آیت الله حائری شیرازی، ج ۲، ص ۱۲.

ص: ۱۰۶

میوه ی فاسد میوه های دیگر را هم فاسد می کند.

و آدمی میوه ی هستی است. وقتی پیمان های خداوند را نادیده گرفت و از آنچه باید دور گردد دوری نگزیند، او نیز فاسد شده و سپس به گسترش فساد می کوشد.

بی ادب تنها نه خود را داشت بد

بلکه آتش در همه آفاق زد

با در دست داشتن یک میوه ی گندیده می توان به توضیح این مثال پرداخت.

سلوک باران، حجه الاسلام محمد رضا رنجبر.

ص: ۱۰۷

۱۰۲-سیگار غیبت

غیبت کردن و شنیدن، مانند سیگار کشیدن و دود سیگاری ها را خوردن است. هر دو زیان بارند.

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ) الحجرات/۱۲.

ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان ها [در حق مردم] پرهیزید؛ زیرا برخی از گمان ها گناه است، و [در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهانند] تفحص و پی جویی نکنید، و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ بی تردید [از این کار] نفرت دارید، و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: شنونده ی غیبت مانند غیبت کننده است.

قالَ علي عليه السلام : السامِعُ لِلغَيْبِ كالمُعْتابِ. منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۸، ح ۴۹۱۸ .

با توضیح مضرات سیگار می توان این مثال را توضیح داد.

۱۰۳- چاه؛ دنیاست...

تعلقات دنیوی انسان را از مرگ و گذر عمر غافل می کند و هر لحظه احتمال سقوطش در چاهی... خطرناک هست، اما...

ص: ۱۰۸

در حکایات آمده است: فیل مستی مردی را دنبال می کرد. او می گریخت و فیل از پی او می شتافت تا آنکه به او رسید. آن مرد بیچاره شد، تا اینکه چاهی دید که دو شاخه در دیواره ی آن روئیده بود. خود را در آن چاه انداخت و آن دو چوب را به دست گرفت که در قعر چاه نیفتد. ناگاه دید در بیخ آن دو شاخه، دو موش بزرگ یکی سفید و دیگری سیاه مشغول جویدن ریشه های آن دو شاخه هستند. به قعر چاه نگاه کرد، ازدهایی را دید که دهان گشوده است تا هرگاه بیفتد، او را فرود برد. در نزدیک خود هم چهار افعی دید که از لانه های خود سر در آورده و آماده ی نیش زدن او هستند. چون سرش را بالا کرد، مقداری عسل دید که به سر آن دو شاخه آلوده است. او هم به لیسیدن آن عسل مشغول شد و لذت شیرینی عسل، او را از خطر افعی ها و افتادن در دهان اژدها غافل ساخت.

ای عزیز! آن چاه دنیا است که پر از آفت ها و بلاها و مصیبت ها می باشد؛ و آن دو شاخه عمر آدمی است؛ و آن دو موش روز و شب هستند که پیوسته عمر آدمی را قطع می کنند. و آن چهار افعی، اخلاط (عبارتند از: صفرا، سودا، بلغم، خون) چهارگانه اند که به منزله ی زهرهای کشنده اند. که آدمی نمی داند چه وقت به هیجان می آیند تا صاحب خود را هلاک کنند. و آن اژدها مرگ است که در راه انسان و منتظر اوست؛ و آن عسل که انسان فریفته ی او شده و با همه آلودگیش او را از آنچه ذکر شد غافل ساخته است، لذت ها و خواهش ها و نعمت ها و عیش های دنیا است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر که غفلتش به درازا کشد، هلاکتش شتاب گیرد.

قالَ علي عليه السلام: مَنْ طَالَتْ غَفْلَتُهُ، تَعَجَّلَتْ هَلَكَتُهُ. منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۰، ح ۴۸۴۰.

معاد و قیامت، داستان های شهید دستغیب، ج ۳ ص ۳۹؛ قلب سلیم، ج ۱ ص ۴۵۵.

۱۰۴- تشنه ی آب شور

شخص تشنه اگر آب شور برای تشنگی بخورد، هر لحظه تشنگی اش بیشتر خواهد شد.

ص: ۱۰۹

هر چه تشنگی بیشتر شود، نیازش به آب نیز بیشتر خواهد شد. آنقدر می نوشد که تا سر حد مرگ پیش می رود.

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

دنیا به آب دریا می ماند که هر چه تشنه از آن بنوشد تشنه تر می شود تا سرانجام او را می کشد. *

تشنگی به حُب دنیا و دنیا خواهی سیری نخواهد داشت.

*قال الكاظم عليه السلام فرمود: مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ؛ كَلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ ، اَزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ. منتخب میزان الحکمه، ص ۲۰۶، ح ۲۲۴۴ .

۱۰۵- پل دنیا

حضرت عیسی علیه السلام فرمود:

دنیا پلی بیش نیست. پس از آن عبور کنید و آن را آباد نسازید.

ص: ۱۱۰

قال المسيح عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ، فَاعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا. منتخب میزان الحکمه، ص ۲۰۶، ح ۲۲۴۷.

از بچه ها بخواهیم احساس خود را نسبت به این حدیث بیان نمایند.

۱۰۶- آئینه

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: مؤمن آئینه ی مؤمن است. *

آئینه عیب را بزرگ یا کوچک نشان نمی دهد، آنچه را هست صادقانه نشان می دهد.

آئینه از روی کینه و بغض و تمسخر و چاپلوسی و... تصویر گر ما نیست.

ص: ۱۱۱

*قال رسول الله صلى الله عليه وآله: المؤمنُ مرآةُ المؤمن. كنز العمال، ص ۶۲۷.

مؤمنان آئینه ی یکدیگرند این خبر را از پیامبر آورند

دوست آن باشد که معايب دوست همچو آئینه رو به رو گوید

نه که چون شانه با هزار زبان در قفا رفته مو به مو گوید

۱۰۷- مؤمن غرض و مرض ندارد

آئینه، رنگ ها را چنان که هستند می نماید.

برخی در نمایش دیگران، صفات خوشایند را پر رنگ تر و صفات ناخوشایند را کم رنگ تر نشان می دهند.

مؤمن در به تصویر کشیدن افراد نباید اسیر رنگ ها باشد. رنگ ها همان طور که هستند باید نشان داده شوند. مؤمن نباید بیننده را به اشتباه بیندازد.

ص: ۱۱۲

تجسس نکردن مؤمن از دیگران

آینه، نمایانگر ظاهر است و به باطن کسی کاری ندارد.

آینه در نمایش تصویر، به نیت های قلبی و آرزوهای فرد حساس نیست.

همواره باید فقط به چند و چون ظاهر دیگران اکتفا کرد و باطنشان را نکاوید.

مؤمن فقط آنچه را از ظاهر برادر ایمانی خود می بیند باید نشان دهد. کندوکاو و تجسس در عمق وجود دیگران، از وظایف و مسئولیت های مؤمن نیست.

۱۰۸ - صبور است

صبور بودن مؤمن در برابر اهانت دیگران

آینه در مقابل اهانت و بد رفتاری بیننده صبور است.

برخی با دیدن عیب های خود در آئینه، به آئینه صدمه می زنند.

ص: ۱۱۳

مؤمن نباید به خاطر شنیدن عیوب خود با برادر مؤمن اش بدرفتاری کند.

مؤمنی که عیوب برادرش را می نماید، باید شکلیا و خویشتن دار باشد.

آینه چون نقش تو بنمود راست خود شکن، آینه شکستن خطاست نظامی

مؤمن آینه مؤمن، اصغر عقابی

۱۰۹- ارزش مؤمن

عارفی می گفت:

صاحب مال قیمت مال را می داند. خدا یک موی سر مؤمن را به همه عالم نمی فروشد. شما قیمت خودتان را نمی دانید، لذا گاهی اوقات خودتان را ارزان می فروشید.

بهلول الاغ لنگی داشت. آن را به حراجی داد تا بفروشد. حراجی شروع به تبلیغات کرد که این الاغ نیست، بلکه براق است و همان مرکبی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با آن به معراج رفتند. آن قدر از آن الاغ تعریف کرد که خود بهلول

ص: ۱۱۴

باورش شد و دید حیف است آن را بفروشد؛ لذا فریاد زد: نمی فروشم، نمی فروشم؛ و حق الزحمه ی حراجی را داد و الاغ را پس گرفت.

بدن مؤمن به راستی براق است که با آن عبادت می کند و به معراج می رود. هر چه خدا و اولیاء خدا می گویند تو خوبی و با ارزشی، تو باور نمی کنی و خودت را بد و کم ارزش می دانی. مشکل در باور خودت است. شخصی که خود را حقیر و بد می پندارد و لذا خود را ارزان می فروشد، اگر کسی پیدا شود که بتواند برای او حقّ مطلب را در توصیف ارزش و بزرگی یک دوست اهل بیت ادا کند و آن شخص هم آن را باور کند، دیگر حاضر نخواهد شد آن را در قبال متاع کم ارزش دنیا بفروشد.

مصباح الهدی، مهدی طیب، ج ۱ ص ۴۰۱.

۱۱۰ - لباس بازیکنان

لباس نماد شخصیت و منش انسان است. لباس مؤمن باید نماد ایمان او باشد.

با نگاه به لباس هر بازیکنی تماشاگران می دانند که این بازیکن از کدام تیم است. غیر ممکن است بازیکن تیم «الف» در جریان بازی، لباس تیم «ب» را برتن نماید.

شایسته است رفتار و لباس مؤمنان به گونه ای می باشد که هر ناظری از همان رفتار و لباس متوجه شود این افراد از گروه مؤمنان هستند. می گویند: لباس هر انسانی نماد و پرچم شخصیتی اوست.

ص: ۱۱۵

فروش بازیکنان

یکی از کارهای متداول در فوتبال خرید و فروش بازیکنان است. بازیکنان بر اساس مهارت ها قیمت گذاری می شوند. در زمین بازی بزرگ هم انسان ها قیمت ها و ارزش های مختلفی پیدا می کنند. برخی از انسانها آن چنان ارزش می یابند که خداوند خواهان و خریدار آنان می گردد.

در قرآن کریم سوره ی توبه آیه ی ۱۱۱ می خوانیم:

(إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...) شهدای راه خدا از این گروهند قیمت، ارزش و بهای انسان ها هم مختلف است.

ص: ۱۱۶

انسان شناس بزرگ اسلام حضرت علی علیه السلام می فرماید: «بدانید قیمت شما حداقل بهشت است. به کمتر از بهشت خود را نفروشید.» «أَلَا وَ إِنَّ ثَمَنَكُمُ الْجَنَّةُ». برخی از انسان ها هم خود را خیلی ارزان به شیطان می فروشند. گاهی به مقدار کمی از دنیای فانی، گاهی به چند روز قدرت و حکومت و متأسفانه گاهی به رنگی و ننگی خود را می فروشند.

فوتبال زندگی، محمد فاتحی، ص ۲۰.

۱۱۲- هدف

در زمین فوتبال هر کدام از بازیکن ها به سمت و سویی می دوند و کاری انجام می دهند.

پس از زدن گل معلوم می شود که این دوندگی ها در آن زمین مستطیل شکل بدون هدف نبوده و همه با برنامه ریزی انجام می شده است.

انسان هم باید برای این دویدن های در زندگیش هدفی را دنبال کند، و گرنه دچار پوچی و دلسردی از زندگی می شود و نتیجه ای به دست نمی آورد.

ص: ۱۱۷

بر سبزه های کنار جوی نشسته بود و با خود می گفت: بی حاصل بود! بی حاصل بود!

او را گفتم: از چه می گوئید؟!

گفت: از این جوی آبی گذشت و از خود سبزه ها برجا گذاشت،

اما، عمری از ما گذشت و همچنان خشکیم و نه سبز و بی هیچ سبزی!

از آب روان مانند بجا سبزه و گل ها ما حاصل از این عمر سبک سیر ندیدیم

با قرار گرفتن در چنین موقعیتی می توان مثال بالا را توضیح داد.

۱۱۴ - عمر با برکت

عمر کوتاه پر برکت، بهتر از عمر طولانی بیهوده است؛ مانند غذاهای گران قیمتی که در هتل می خورید و صورت حساب سنگینی را دریافت می کنید.

شما خیلی هم که عمر بکنید می شوید پیرترین و کهنسالترین مرد ایران؛ مثلاً ۱۴۰ سال. وقتی مُردید، اول بدبختی شماست که این ۱۴۰ سال نان خدا را خوردید. کار برای چه کسی کردید و کجا رفتید؟ بیایید و بیلان بدهید. شما در هتل ها هر چه بیشتر بخورید، صورت حسابها سنگین تر است و باید بیشتر پردازید. وقتی آنجا رفتید خیلی مانور ندهید که آقا یک پرس از این بیاور، یک پرس از آن بیار، نوشیدنی، ترشی، ماست و... چون بعد یک صورت حسابی برایتان می آورد که غذا می شود زهر مار. این چه فایده ای دارد؟ عمر زیاد برای انسان ملاک نیست، بلکه مهم چگونه از عمر استفاده کردن است. عمری پر برکت اگر چه کوتاه باشد، با ارزش تر از هزاران سال عمر بی هدف است.

مثل ها و پندها، آیت الله حائری شیرازی، ج ۳، ص ۱۲.

زندگی مانند دوچرخه سواری است. برای حفظ تعادل باید حرکت کرد.

می‌توان اشاره کرد به اینکه زندگی بدون تلاش و کوشش، در راه ماندگی و درماندگی می‌آورد.

اگر تعادل رو حفظش کنیم روی بند هم میشه راه رفت. اشاره به کار آکروبات بازها و رد شدن از روی طناب با چوب.

توجه به میانه روی.

رهرو آن نیست گهی تند و گهی خسته رود

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

ص: ۱۲۰

یکی از عوامل کارآمدی و درخشش یک بازیکن عامل جوانی اوست. بارها در بازی های مختلف، بازیکنان پر تجربه را دیده ایم که به علت پیری دیگر آن تحرک لازم جوانی را ندارند و نمی توانند از تجربه و تاکتیک بالای خود استفاده کنند. در بازی بزرگی که ما انسان ها در فرصت عمر به آن مشغول هستیم، عامل جوانی عاملی بسیار مهم و کارساز و تعیین کننده است.

در فرهنگ غنی اسلام به جوان و قدرت جوانی اهمیت فراوانی داده شده است. از اولین سؤالات در روز محاسبه، روز قیامت، سؤال از فرصت جوانی است که انسان دوران جوانی خود را در چه مسیر و راهی مصرف کرده است: «عن شبابه فی ما أفناه». برای تشویق جوانان به عبادت در روایات اسلام آمده است که پاداش عباداتی که یک جوان در جوانی انجام می دهد، در دوران پیری، که به خاطر ضعف بدنی نمی تواند انجام دهد، برای او محفوظ است.

فوتبال زندگی، محمد فاتحی، ص ۳۷.

دانه ها هر چه دارند از خاک است و باید بر همان خاک تکیه بزنند تا سبز شده، به ثمر بنشینند؛ و گرنه هر چیز را جز خاک تکیه گاه خود قرار دهند، ممکن است سبز شوند، اما بی ثمر و بی حاصل می مانند.

ای وای از این بی حاصلی!

سبزه های شب عید همان دانه هایی هستند که به جای خاک بر یکدیگر تکیه داده و سبز شده اند، اما زود هم زرد می شوند و می خشکند؛ و روز سبزه اول چیزی که بدر می شود، همان هاینند .

ای وای از این بی حاصلی!

دانه های برخود تکیه داده اگر هفتصد دانه هم باشند، یکی ثمر نمی دهد. حال آنکه اگر به آغوش خاک چنگ می زدند، هر یکی شان هفتصد دانه می داد. ما هم چیزی شبیه دانه هاییم و بی حاصل می مانیم اگر برخود و یا دیگری و یا حتی گرانبارترین متاع عالم که تقواست و یا دانش و آگاهی و یا هنرهای دیگر تکیه کنیم:

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدهش حافظ

تکیه بر دیگران و یا هر چیز دیگر ممکن است چند صباحی ما را سبز و خرم بدارد، اما دیری نمی پاید که خشک و بی مایه می شویم. این است که قرآن تکیه و تأکید دارد که

(.. وَ عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ) مائده/۲۳ بر خداوند تکیه کنید اگر ایمان دارید!

آدمی چیزی شبیه پیچک است و تکیه گاه می خواهد. تکیه گاهی رفیع و بلند، و گرنه زیر دست و پا له می شود رفیع نام خداست و تنها اوست که آدمی را رفعت و بلندی می بخشد؛

و از همین روست که مردم مؤمن تنها بر او توکل می کنند؛ زیرا بر غیر خدا تکیه داشتن و بر غیر او توکل کردن حاصلی جز نومیدی و ندامت و حسرت و حیرانی در بر ندارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند می فرماید: هر مخلوقی که به جای من به مخلوقی چنگ زند، درهای آسمان و زمین را به روی او می بندم، آنگاه وقتی مرا بخواند، جوابش را نمی دهم؛ و چون از من بخواهد، به او عطا نمی کنم.

عن رسول الله صلى الله عليه وآله يقول الله: ما من مخلوق يعترضني إلا قطعت أبواب السماوات والأرض دونه. فإن دعاني لم أجبه؛ وإن سألتني لم أعطه. منتخب ميزان الحكمة، ص ۶۱۰، ح ۶۷۲۱.

سلوک باران، حجه الاسلام محمد رضا رنجبر.

۱۱۸- دار و ندارم

دار و ندار شاخه ها از درخت است اگر هستند، اگر سبزند، اگر باری و برگی و طراوتی داشته و دارند نه از خود که همه از درخت است؛ و این همه را تا وقتی دارند که با درخت اند،

و گرنه به هر دلیلی که بریده و جدا شوند شاید چند صباحی سبز بمانند، اما نمی توانند و می خشکند و آماده برای آتش و سوختن و دود و خاکستر شدن؛ و ما همان شاخه هاییم و از خود چیزی نداشته و نداریم.

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ) فاطر/۱۵.

مردم! شما از خود چیزی ندارید .

همچنان که فقیر از خود چیزی ندارد و اگر دارد از غنی است.

هو الغنی و غنی خداست .

پس ما همه بر سفره ی خداییم. البته این را همه می دانند که بر سفره ایم، اما همه نمی دانند: سر سفره ی که هستیم؟ و میهمان که؟

جمله مهمانند در عالم و لیک کم کسی داند که او مهمان کیست؟ مولوی

بعضی تصور می کنند نان از بازوی خود می خورند؛ همچنان که پاره ای گمان برده اند که محصول تلاش و کوشش خود را درو می کنند؛ و یا میهمان حوصله و بردباری خودند؛ و یا حاصل دانش و آگاهی خود را مصرف می کنند؛ آن گونه که قارون می گفت: (قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتَهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي..) القصص/۷۸.

آنچه دارم ریشه در دانش من دارد.

بنابراین همه می دانند که میهمانند، اما نمی دانند میهمان که؟ ای کاش ما هم به تور همان گدایی می خوردیم که حافظ خورد:

بردر شاهم گدایی نکته ای در کار کرد گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود

و ای فدای حافظ که حاضر است از یک گدا چیزی بیاموزد! و ای فدای خدا که گاه به یک گدا چیزی می آموزد که به حافظ نیاموخته است!

و حافظ اگر چه از یک گدا آموخت، اما در حقیقت از خدا آموخته است؛ زیرا گدا سفره ی خداست؛ همچنان که زور بازو و یا دانش و یا هر چیز دیگر سفره های اویند. پس ما همه سر سفره ی خداییم.

برگردیم به شاخه ها، شاخه ها را خوب نگاه کن! باز هم نگاه کن! و دوباره نگاه کن! و می بینی که هر چه شاخه ها از تنه ی خویش فاصله می گیرند. تردتر، ضعیف تر، نازک تر و شکننده تر می شوند و هر چه به تنه نزدیک و نزدیک تر شوند، ضخیم تر، فربه تر، قطورتر، نیرومند تر، سخت تر و مقاوم تر می گردند. ما هم همین گونه ایم؛ هر چه به تنه و اصل خود، که خداست، نزدیک تر شویم، توانمندتریم و با اقتدار و صلابت بیشتر؛ و هر چه دور و دورتر باشیم، ناتوان و نزار و خسته تر.

و اینجاست که قرآن می گوید: (فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ) الذاریات/۵۰.

بگریزید به سوی خدا.

و خدا اصل و ریشه ی ماست؛ همچنان که تنه اصل شاخه است و درخت، بی شاخه می تواند بود، اما شاخه، بی درخت هرگز!

با تو حیات و زندگی بی تو فنا و مردنا ز آنکه تو آفتابی و بی تو بود فُسرَدنا

بروشور با من بیا، حجه الاسلام رنجبر.

مقداری هیزم وسط اردوگاه جمع کرده بوده و آماده ی سوزاندن؛ در کنارش تابلویی نوشته بود: هرگاه رابطه ی ما با آب و آفتاب قطع گردد، خشک خواهیم شد و آماده ی سوختن.

ص: ۱۲۵

آنهایی که بدن های نیرومند و قوی و عضلانی دارند می گویند: هر چه بیشتر نیرو داری در مشت خود بریز و به ما بزن! وقتی هم که می زنی، آنها نیستند که احساس درد می کنند، بلکه این شماست که درد می کشید. چرا؟ چون پشت پوست آنها عضله خوابیده است. برخلاف بعضی ها که این طور نیستند؛ و همین که به آنها یک تلنگر می زنی، مدت ها جای آن کبود و سیاه می شود. انسان هم همین طور است. وقتی پشت او به خدا گرم باشد، هر چه بخواهی به او آسیب بزنی خودت آسیب می بینی و او آخر هم نخواهد گفت، بلکه قوی تر هم خواهد شد.

این بود که روز عاشورا سید الشهداء علیه السلام فرمود: «فَيَا سَيُوفُ خُذِينِي»: ای شمشیرها! مرا دریابید.

و این خود یک فرمول است که اگر خدا پشت و پناه انسان باشد، هیچ شمشیری و هیچ آدم شمشیر صفتی که کارش ضربه زدن و نیش زدن است نمی تواند به شما آسیب برساند.

سلوک باران، حجه الاسلام محمد رضا رنجبر.

قفل بسته را فقط کلید می تواند باز کند.

حال اگر بر در گنجینه ای قفلی زده باشند و ما نیز بدانیم تنها راه صاحب شدن آن گنج پیدا کردن کلید آن است،

آیا به دنبال کلید نمی گردیم؟

فرمود: دانش مانند گنجینه هایی است که کلید آن پرسش است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: العلم خزانة و مفتاحها السؤال. کنز العمال، حدیث ۲۸۶۶۲.

پرسش کلید فهم است

آداب پرسش

پرسش های اساسی

پرسش های ممنوعه

با در دست گرفتن یک قفل بزرگ و درخواست از بچه ها برای باز کردن آن، می توان این مثال را توضیح داد.

ص: ۱۲۷

برای زور آزمایی و جنگیدن فهمیدن توان خودمون و طرف مقابل خیلی مهمه.

بعضی وقت ها یه آدم کله شق که زوری هم نداره با یک بزرگ نام آور بسیار قوی درگیر میشه.

هرچی هم طرف نصیحتش می کنه که تو حریف ما نیستی کوتاه نمی آید. تازه شمشیرکشان جلو میره.

معلومه که خرد و خاکشیر میشه و هلاکتش حتمیه.

خدا در قرآن کریم رباخواری را اعلام جنگ با خدا می داند.

بازنده معلومه.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ...

البقره ۲۷۸ - ۲۷۹.

ص: ۱۲۸

دری که بر پاشنه ی خود نباشد، به زحمت بسته یا گشوده خواهد شد،

و جز این می تواند بود؟! درست همانند آدمی که بر پای خویش نایستد، و اتکایش، و اعتمادش و اهتمامش به دیگران باشد. باری، وی همیشه در رنج و سختی است، بنام به آن نوزاد که در گهواره بود و انگشت خود را می مکید، اما ناز آن دایه ی بی مهر را نمی کشید و تحمل بار منتش را نداشت!

صائب! ز ناز دایه ی بی مهر فارغست طفلی که با مکیدن انگشت خو گرفت صائب

دامن دامن حکمت، حجه الاسلام رنجبر.

عارفی می گفت:

زنی که شوهرش مرده بود و از او پسر بچه ای داشت دیگر ازدواج نکرد، به این امید که پسرش بزرگ می شود و حامی او خواهد بود. اما متوجه شد که آن پسر بچه بسیار نحیف و ضعیف است و از بچه های کم سن و سال تر از خودش در کوچه زمین می خورد. فهمید که بچه های دیگر پدر را بالای سرشان می بینند و به اتکای او احساس قدرت می کنند، و این بچه چون پدری بالای سرش نمی بیند این گونه رنجور و نحیف مانده است. برای حلّ مشکل نزد نقاشی رفت و به او گفت: تصویر یک پهلوان قدرتمند را بکشد و بازوبند پهلوانی روی بازویش ترسیم کند. تابلو را گرفت و در اتاق نصب کرد و پرده ای روی آن کشید و پسرش را صدا زد و گفت: می خواهی پدرت را ببینی. پسر با اشتیاق گفت: بلی. مادر کم کم پرده را از روی آن شمایل کنار زد و به تعریف زور بازو و قدرت پهلوانی پدر مشغول شد. هر چه عکس آن پهلوان بیشتر نمودار می شد، استخوان های درهم فرورفته ی پسر از هم باز می شد و در خود احساس قدرت می کرد. وقتی تصویر کاملاً از پشت پرده بیرون آمد، بچه چنان نیرویی گرفت که از آن پس بچه های بزرگ تر از خود را هم به راحتی به زمین می زد.

شیعه هم در دوران غیبت مثل آن بچه است که پدر را بالای سر خود نمی بیند. اگر کسی پیدا شود که بتواند در توصیف امام حقّ مطلب را ادا کند، شیعه چنان زنده می شود و قدرت می گیرد که هیچ کس در عالم نمی تواند در برابر او بایستد.

مصباح الهدی، مهدی طیب، ج ۱ ص ۲۸۵.

ص: ۱۳۰

اگر بازیکنی در موقعیت آفساید قرار بگیرد و توپ را وارد دروازه ی تیم مقابل کند گل پذیرفته نیست. چرا؟ به خاطر این که این بازیکن بدون تلاش و گذر از دفاع حریف به راحتی گل زده است. در دستورات و قوانین مقدس اسلام نیز بسیاری از راحت طلبی ها ممنوع و حرام است. کسانی که می خواهند راحت و بی دردسر به مال و مقام برسند و بدون کمترین تلاشی بیشترین منفعت را ببرند، از نظر اسلام مطرودند.

قرآن کریم می فرماید: (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ) البقره/۱۸۸.

هیچ کدام از شما اجازه ی استفاده از اموال یکدیگر را از راه باطل و حرام ندارید به همین دلیل درآمدهای ربا و گلدکوئیست حرام است .

فوتبال زندگی، محمد فاتحی، ص ۴۶ .

ص: ۱۳۱

یکی از موارد در فوتبال ارسال پاس به بازیکن تیم مقابل است که به پاس اشتباه معروف است. مربیان و طرفداران تیم، بازیکنی را که پاس اشتباه داده سرزنش می نمایند.

قابل نکوهش هم هست؛ چرا که این بازیکن امکانات و موقعیت هایی را که باید در خدمت تیم خودشان باشد به تیم مقابل واگذار کرده است. از خود می پرسیم: آیا ما در زندگی پاس اشتباه نداشته ایم؟ آیا نیروها و امکاناتی را که باید در راه بندگی خداوند و اعتلای جمهوری اسلامی عزیز صرف شود در مسیر اطاعت شیطان هزینه نکرده ایم؟ عمر و جوانی و دارایی و اعتبار و آبروی دنیا سرمایه ی ماست. سعی کنیم اشتباه هزینه نکنیم.

فوتبال زندگی، محمد فاتحی، ص ۵۴.

سیم های مثبت و منفی برق را در نظر بگیرید که هیچ گونه اتصال و اصطکاک با هم نمی کنند چرا؟ چون پوششی از پلاستیک آنها را پوشانده است و بین دو دسته از سیم های مثبت و منفی مانع ایجاد کرده است. اگر صدها سیم از سیم های مثبت کنار هم قرار بگیرند، به پوشش نیاز ندارند، اما اگر پای یک سیم منفی در میان باشد، باید پوششی بین این سیم منفی و آن سیم های مثبت ایجاد شود. آیا این پوشش ها برای این سیم ها زندان است یا حفاظ؟ وجود حریم میان زن و مرد در جامعه شاید از این جنس باشد.

مثل ها و پندها، آیت الله حائری شیرازی، ج ۲ ص ۹۳.

ص: ۱۳۳

شیطان همیشه در صدد فریب انسان است یکی از شیوه ها و تاکتیک های بازیکنان خط حمله به ویژه در زمانی که در موقعیت زدن ضربه ی پنالتی قرار می گیرند، فریب دادن دروازه بان حریف است. به طور مثال، بازیکنی که برای زدن پنالتی پشت توپ قرار گرفته است، به شیوه ای به طرف توپ می رود که دروازه بان فکر کند سمت چپ دروازه را نشانه گرفته، اما بازیکن توپ را از سمت راست وارد دروازه ی حریف می کند. ای عزیز! در زندگانی بشر هم شیطان هایی هستند که فریبکارند. آنها خود را امین نشان می دهند، اما در واقع خیانتکارند. خود را دوست نشان می دهند، اما در حقیقت دشمن هستند و... شیطان هم بیشتر ضربه ها را به انسان از راه فریب و نیرنگ می زند. شیطان تا وقتی که خداوند به او مهلت داده است تلاش می کند و حيله به کار می بندد تا فرزندان آدم به سعادت ابدی و بهشت برین نایل نشوند.

فوتبال زندگی، محمد فاتحی، ص ۳۵.

آهن وقتی که سرد باشد ساکت و بی حرکت است، ولی وقتی که حرارت می بیند، ذوب شده و جریان پیدا می کند و از طرفی هم شکل پذیر شده و در هر قالبی می تواند قرار بگیرد.

این که اصحاب سیدالشهدا علیه السلام روز عاشورا یکپارچه آماده بودند و تن به هر کاری که امام امر می کرد می دادند و هر مشقتی را متحمل می شدند، از آن جهت بود که عشق سیدالشهدا علیه السلام و حرارتِ محبت و علاقه به او آنها را ذوب کرده و نیز آنها را به راه انداخته بود این شد که در تاریخ یک جریان شدند.

خود سیدالشهدا علیه السلام نیز ذوب شده ی در عشق و محبت حق بود. بین عشق تا کجا که می فرمود: خدایا! آن قدر به تو عشق می ورزم که حاضرم هفتاد هزار بار بمیرم و زنده شوم.

سلوک باران، حجه الاسلام محمد رضا رنجبر.

زغال ها وقتی روشن می شوند، آنها را بلند کرده و بالا می برند و می گذارند بالای آتشدان قلیان، اما زمانی که هیچ شعله ای با خود ندارند، آنها را برای چه باید بالا ببرند؟

ما آدم ها هم همین طوریم. اگر یک آتشی، سوزی، دردی، عشقی در وجودمان پدید آمد، خداوند ما را بالا- برده، در جایگاهی رفیع و بلند قرارمان می دهد و ما نیز به وصال او دست می یابیم، و گرنه اصلاً به ما دست نمی زند و نزدیکمان هم نخواهد شد.

تا خویشتی به وصل جانان نرسی

یعنی تا وقتی که همین باشی و هیچ عشق و حرارتی پیدا نکنی، بالا نمی روی و به وصل او هم نمی رسی، اما وقتی از این خود و خویشتن گذشتی و سوزی پیدا کردی، تو را بالا می برند و به وصال و لقای یار خواهی رسید.

این مثال در موقعیت خود قابل اجرا است.

سلوک باران، حجه الاسلام محمد رضا رنجبر.

۱۳۱- راه یافتن دل آدمی به کوی یار

این را که خود به چشمان خویش در آن دشت پر دامن، دیدی آن مور را می گویم که راه خرمن را یافته بود و سر از پا نمی شناخت و حتی دمی نمی آسود! شاید، مرا و تو را می گفت: ماجرای دل آدمی نیز همین است که اگر به کوی یار بار یابد، نتواند آسود!

رفت آسایش ز دل تا ره به کوی یار برد مور کی از پا نشیند چون ره خرمن شناخت صائب

با اشاره به مورچه ای دانه کش می توان این مثال را توضیح داد.

دامن دامن حکمت، حجه الاسلام رنجبر.

ص: ۱۳۷

انسان هم به قانون و هم به مجری الهی نیاز دارد؛ مانند هواپیمایی که بدون هدایت خلبان نمی تواند به حرکتش ادامه دهد.

از افتخارات مسلمان است که می گوید: قانون باید الهی باشد؛ و از افتخارات شیعه این است که می گوید مجری قانون هم باید الهی باشد. اگر مردم با یک جت حرکت کنند و در این راه برای خلبان حادثه ای پیش آید، آیا هر کسی می تواند جای خلبان را بگیرد؟ کار یک مجری که امام باشد از هدایت یک هواپیما دشوارتر است. مسئولیت امام، بردن بشر در یک راه باریک است.

مثل ها و پندها، آیت الله حائری شیرازی، ج ۲، ص ۸۶.

ص: ۱۳۸

سؤال: نقش رهبری در جامعه ی اسلامی چگونه است؟

پاسخ: هر حرکت چند عنصر دارد: مبدأ، مسیر، وسیله، راهنما و مقصد. در میان این پنج عنصر، مهم ترین نقش با راهنماست. اگر رهبر، عالم و متقی باشد، نه هدف گم می شود و نه به انحراف کشیده می شود.

اگر رهبر لایق باشد و مردم اطاعت کنند، مشکلات حل می شود؛

اگر مردم اطاعت نکنند، رهبر کاری از پیش نمی برد. اگر راننده اهل فن باشد، حتی ماشین معیوب را راه اندازی و با آن رانندگی می کند؛ همان گونه که پیامبران در بدترین شرایط اجتماعی، بهترین امت ها را ساختند.

اما اگر رهبری صلاحیت نداشته باشد، بهترین شرایط را نیز به هدر می دهد؛ چنان که بهترین اتومبیل ها را اگر در اختیار راننده ی ناشی قرار دهیم، آن را به دره می اندازد.

پرسش های مهم، پاسخ های کوتاه؛ حجه الاسلام محسن قرائتی ص ۵۴.

۱۳۴- مثله، بالاتر از قانون

پشت چراغ قرمز بودیم، اما پلیس با اشاره، دستور حرکت داد.

گفتم: نرو چراغ قرمز.

دیدم میگه: آخه پلیس دستور می ده،

ولی فقیه بالاتر از قانون است،

و تنها تعدادی از اختیاراتش در قانون اساسی ذکر شده است.

ص: ۱۴۰

دروغگویی مثل گلوله ی برفی است که از بالای کوه سُر می خورد و رفته رفته بزرگ تر می شود و به یک بهمن مخرب تبدیل می شود (دروغ، دروغ ها و مفاسد زیادی با خود می آورد).

قال رسول الله صلى الله عليه وآله أَنَّ الكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الفُجُورِ وَإِنَّ الفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ. كنز العمال، ح ۸۲۱۷.

دروغ به ناراستی و انحراف می کشاند و ناراستی و انحراف به آتش رهنمون می شود.

الامام العسكري عليه السلام : جُعِلَتِ الخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الكَذِبَ.

الدَّره الباهره، ص ۴۳.

پلیدی ها در یک خانه نهاده شده و کلید آن هم دروغ قرار داده شده است.

ص: ۱۴۱

دخترها مثل سیب های روی درخت هستند.

بهترین هایشان در بالاترین نقطه ی درخت قرار دارند.

بعضی از پسرها نمی خواهند به بهترین ها برسند، بنابراین به سیب های روی زمین که به دست آوردنشان آسان است اکتفا می کنند. سیب های بالای درخت فکر می کنند مشکل از آنهاست، در حالی که آنها فوق العاده اند. آنها فقط باید منتظر آمدن پسر شجاع و شایسته و قدرشناس باشند که بتواند از درخت بالا بیاید.

ص: ۱۴۲

به درختی رسیدیم برگ هایش همه خشکیده بود رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را تکان داد و برگ هایش ریخته شد

سپس فرمود: هر گاه بنده وضو گیرد، گناهانش همچون برگ های این درخت می ریزد. *

با تکان دادن درختی این چنین، می توانید دیگران را با ثواب وضو گرفتن آشنا نمایید.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا تَوَضَّأَ الْعَبْدُ، تَحَاطَّ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا تَحَاطُّ وَرَقُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ . کنز العمال/۲۶۰۳۰.

توی اتاق نشسته بودیم. از بالای پنجره، همان جایی که یه کم شیشه اش شکسته بود یه گنجشک وارد اتاق شد. تا خودشو گرفتار دید، شروع کرد به تلاش و کوشش کردن برای اینکه از اتاق خارج شود گنجشک دائم و با سرعت خودشو به پنجره می زد. خیلی هول کرده بود، این قدر خودشو به در و دیوار زد تا خسته و بی جان یه گوشه اتاق افتاد. ما ها هم وقتی گرفتار میشیم، قبل از هر کاری اول باید سراغ چاره باشیم، و گر نه زودی اسیر شرایط میشیم.

حضرت عیسیٰ علیه السلام فرمودند: گندم را پاک و تمیز کنید و خوب آردش کنید تا طعم آن را بچشید و از خوردنش لذت برید. به همین سان، ایمان را خالص و کامل گردانید تا حلاوت آن را بچشید و سرانجامش به کار شما آید.

قال المسيح عليه السلام: نَقُّوا القَمْحَ وَ طَيَّبُوهُ وَ ادِقُّوا طَحْنَهُ، تَجِدُوا طَعْمَهُ. وَ يُهَيِّئُكُمْ أَكْلَهُ. كَذَلِكَ فَأَخْلَصُوا الإِيمَانَ وَ أَكْمَلُوهُ، تَجِدُوا حَلَاوَتَهُ وَ يَنْفَعُكُمْ غُبُّهُ. ميزان الحکمه، ح ۱۳۱۵.

۱۴۰- گناهان نیز این گونه جمع می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله در زمینی خشک و بی گیاه فرود آمد. به اصحابش فرمود: مقداری هیزم بیاورید. عرض کردند: ای رسول خدا، ما در سرزمینی خشک و بدون گیاه هستیم که در آن هیزمی یافت نمی شود. حضرت فرمود: هر کس هر چه یافت بیاورد. آنها هیزم ها را جمع کردند و در برابر حضرت انباشتند. رسول خدا فرمود: گناهان نیز این گونه جمع می شود. آن گاه فرمود: از گناهان خرد انگاشته پرهیزید، زیرا هر چیزی بازخواست کننده ای دارد. در موقعیت اردو این مثال قابل اجرا است.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَزَلَ بِأَرْضٍ قَرَعَاءَ، فَقَالَ: لِأَصْحَابِهِ ائْتُوا بِحَطَبٍ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ بِأَرْضٍ قَرَعَاءَ مَا بِهَا مِنْ حَطَبٍ. قَالَ: فَلْيَأْتِ كُلُّ إِنْسَانٍ بِمَا قَدَرَ عَلَيْهِ. فَجَاءُوا بِهِ حَتَّى رَمَوْا بَيْنَ يَدَيْهِ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ هَكَذَا تَجْتَمِعُ الذُّنُوبُ، ثُمَّ قَالَ: إِيَّاكُمْ وَ الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ طَالِبًا أَلَا وَإِنَّ طَالِبَهَا يَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ. (کافی ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۳).

فهرست منابع:

- کریمیان، احمد، نگاهی به سیره ی آموزشی رسول خدا "، بوستان کتاب، چاپ اول ۱۳۹۰.
- پورنامداریان، تقی، رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۶.
- صاحبی، علی، تمثیل درمانگری در بازسازی شناختی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) ۱۳۸۷.
- رجالی تهرانی، علیرضا، تمثیلات و تشبیهات در آثار استاد شهید مطهری*، بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
- قرائتی، محسن، تمثیلات، پرسش های مهم پاسخ های کوتاه، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ بیست و هفتم ۱۳۹۰.
- بیرانوند، محمد، تجلی اهل بیتدر قرآن، توصیفات، تمثیلات و تشبیهات اهل بیتدر قرآن، اقیانوس معرفت، ۱۳۸۹.
- ابراهیمی، احمد، راه کارهای عملی آموزش اخلاق و مهارتهای زندگی، بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
- محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۳.
- حائری شیرازی، محی الدین، مثل ها و پند ها، انتشارات پیام آزادی، چاپ هشتم، ۱۳۷۵.
- رنجبر، محمد رضا، سلوک باران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- رنجبر، محمد رضا، دامن دامن حکمت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

صفایی حائری علی، آیه های سبز، انتشارات لیلہ القدر، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.

مصباح الہدی ؛ مہدی طیب ، انتشارات سفینہ ؛ چاپ نوزدہم ؛ ۱۳۹۷ .

ص: ۱۴۶

محمد فاتحی، فوتبال زندگی، انتشارات زمزم هدایت؛ قم، ۱۳۸۶.

معاد و قیامت_ داستانهای شهید دستغیب دفتر انتشارات اسلامی.

عقابی اصغر، مؤمن آینه مؤمن؛ انتشارات ابصار؛ ۱۳۸۵.

ص: ۱۴۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

